

سرمقاله ...

لایه بندی؛ کلید تحلیل اسلام سیاسی

منصور امان

یک اشتباه رایج در تعریف یا برداشت از مفهوم «اسلام سیاسی» یکپارچه و همگن انگاشتن آن است. به این معنی که گویا چه در پهنه تفکر و نگاه و چه در عمل و استراتژی با پدیده یکدستی روبرو هستیم که از درون یک بلوک اجتماعی واحد بیرون آمده و نیروی خود را در حوزه نظری و عملی از منبع واحدی کسب می کند. این تفسیر، اسلام سیاسی را یک کل منسجم و به گونه مشخص، در قامت شکل دولت شده آن می انگارد، حال آنکه مفهوم مزبور در جهان واقعی مجموعه ای گوناگون از سطوح سیاسی، اجتماعی و فکری است که به همین نسبت پایگاههای اجتماعی گوناگونی را نمایندگی می کنند؛ سطوحی که هر کدام از آنها بازیگران، منطقی و آماج ویژه خود را دارد و در این راستا در رقابت یا حتی ستیز با لایه دیگر قرار می گیرد.

هرگاه نیروهای اجتماعی مختلفی که زیر تابلوی «اسلام سیاسی» قرار گرفته اند از یکدیگر تفکیک نشوند، هر کُش، برنامه یا دیدگاه مشخص به گونه ناگزیر به مجموع این پدیده تعمیم داده می شود. پیامد این نتیجه گیری، مه آلود شدن میدان جامعه و ناتوانی در شناخت نیروهایی است که در آن صف کشیده اند. برآمد عملی این همان انگاری برای نیرویی که در کُش متقابل با اسلام سیاسی قرار دارد یا با چالش آن روبروست، باز ماندن از اتخاذ سیاست مشخص در مقابل لایه مشخصی است که در برابر دارد. این ناتوانی در یک بُعد فراگیرتر به حوزه خطوط کلی سیاست گسترش می یابد و پرسشهای پایه ای در این مورد که چه چیز اسلام سیاسی باید نقد شود، کدام نیرو در پروسه تغییرات دموکراتیک مخرب و کدام نیرو موثر است، دولت سکولار چه رابطهای با این نیروها دارد و جز آن را بی پاسخ خواهد گذاشت.

لایه های اسلام سیاسی

تقریباً هر جا که در علوم سیاسی به گونه عام و مباحث آن در باره دین به گونه مشخص به اسلام سیاسی پرداخته می شود، تفکیک این پدیده به لایه ها و سطوح مختلف بخش جدایی ناپذیر آن است. هم نظریه پردازان مارکسیست و هم پژوهشگران لیبرال دموکرات یا بورژوا، اسلام سیاسی را یک واحد سیاسی - اجتماعی یگانه نمی دانند و در لایه های گوناگون آن را بررسی و تحلیل می کنند، اگرچه هریک از آنها مبنای متفاوتی برای تقسیم بندی عرضه می کنند؛ در حالیکه مارکسیستها پایه تفکیک اسلام سیاسی به لایه ها را طبقه و مناسبات و جایگاه اقتصادی قرار می دهند، لیبرال دموکراتها ساختار سیاسی - اجتماعی بقیه در صفحه ۴

یادداشت سیاسی ...

جامعه انفجاری، برگماریها و چشم انداز

مهدی سامع

صفحه ۲

پزشکیان نماینده مردم ایران نیست!

فراخوان به تجمع با شعار

نه به رژیم اعدامی، نه به سرکوب، نه به جنگ

مسعود پزشکیان به نیویورک می آید تا از تربیون مجمع عمومی سازمان ملل به نام مردم ایران سخن بگوید.

ما اعلام می کنیم: او نماینده مردم ایران نیست؛ او نماینده رژیم چهل و جنایت است.

رژیم جمهوری اسلامی بیش از چهار دهه با اعدام، سرکوب، تبعیض، فساد، فقر و جنگ بر ایران حکومت کرده است. امروز نیز برای حفظ بقای خود، ماشین اعدام را بی وقفه به کار انداخته و با زندان، سرکوب و ایجاد فضای رعب و وحشت، می کوشد هر صدای آزادی خواه را خاموش کند.

ما مقابل سازمان ملل گرد هم می آییم تا با صدایی واحد اعلام کنیم: نه به اعدام / نه به سرکوب / نه به استبداد دینی / نه به جنگ / اری به انقلاب، دموکراسی و

سوسیالیسم

سه شنبه ۲۳ و چهارشنبه ۲۴ سپتامبر

مقابل سازمان ملل متحد، صدای مردم ایران باشیم.

فعالان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

United Nations

Dag Hammarskjöld plaza

47th Street between 1st and 2nd

Avenue NY,NY

23rd of September 2026 at 10:00

اعدام؛ راهکاری برای بقای

امنیت نظام

اسامی ۶۳ از زندانیان اعدام شده

در مرداد ۱۴۰۵

صفحه ۱۲

جنبش دادخواهی

سدهی در برابر بازتولید

جنایت است

زینت میرهاشمی

صفحه ۵



در این شماره می خوانید:

دانشگاه در ماهی که گذشت (مرداد ۱۴۰۵) - کامران عالمی نژاد صفحه ۶

زنان در مسیر رهایی (مرداد ۱۴۰۵) - اسد طاهری صفحه ۹

جنبش رنگین کمان بیشماران (مرداد ۱۴۰۵) - پویا رضوانی صفحه ۱۴

چالشهای معلمان (مرداد ۱۴۰۵) - فرنگیس بایقره صفحه ۱۸

رویدادهای هنری ماه (شهریور ۴۰۵) صفحه ۲۰

یادواره شهیدان فدایی

فدایی شهید رفیق غلام حسین بیگی - امیر ابراهیمی صفحه ۲۴

شهیدان فدایی در شهریور ماه صفحه ۲۴

«ما بی شمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»

«مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای، زنده باد آزادی»

یادداشت سیاسی ...

جامعه انفجاری، برگماریه‌ها و چشم انداز

مهدی سامع

را به طور کیفی افزایش داده و در حقیقت در واکنش به رویدادها قابلیت بیشتری خواهد داشت. به این این تدبیر علی خامنه ای، راهکار آفازاده او برای به میدان آوردن حسین طائب و محسن رضایی را اضافه کنیم، یک بلوک متمرکز پیرامون ولی فقیه برای برخورد موثر با هر بحرانی به وجود می آید. یادآوری می شود که حسین طائب همان آخوند تبهکاری است که به فرموده علی خامنه ای و زیر نظر مجتبی خامنه ای، کشتار پس از انتخابات سال هشتاد و هشت و دستگیری برخی از اصلاح طلبان حکومتی را طراحی و اجرا کردند.

پاسدار محمدرضا نقدی، مشاور سرکرده کل سپاه پاسداران، پیرامون این رویداد گفت: «تصمیم برای حرکت از دکتین دفاعی به تهاجمی گرفته و اکنون شرایط برای آن مهیا شده است.» (تابناک، چهارشنبه ۲۱ مرداد ۱۴۰۵)

پرسش مربوط به ضرورت این گونه برگماری را به این صورت تکمیل می کنیم که این کدام کُش بحرانی است که به چنین تمرکزی نیاز دارد؟ آیا واکنش تهاجمی در برابر جنگ خارجی و یا بحران داخلی؟

برای پاسخ به این پرسش در ابتدا از گفته ها و نوشته های کارگزاران نظام در چند هفته گذشته کمک می گیریم.

تضادهای درون ولایت، موریانه به جان نظام

-پزشکیان رئیس جمهور رژیم: «می دانند که ما مشکل داریم یکی از مشکلات اساسی همین اختلافاتی است که ممکن است ما با همدیگر داشته باشیم... همان آدمهایی که در حقیقت مقابل ما عقده دارند نگران هستند ما وظیفه داریم آنها را ببینیم اینها مردم این مملکت هستند... تا دل تان بخواهد حرف است ما مشکل داریم... ما قیلا با کشتی می آوریم حالا کلی مسیر عبور می کند می آید قیمت تمام شده رفته بالا درآمد مان هم کم شده نفت می فروختیم حالا نمی توانیم بفروشیم زدن یک سری از کارخانه ها را خراب کردند مالیات هم نمی توانیم به آن شکل بگیریم نه تنها نمی توانیم بگیریم باید به آنها پول هم بدهیم که سر پا بایستند... معضل ما چندین برابر شده...» (تلویزیون حکومتی شبکه خبر، شنبه ۲۴ مرداد ۱۴۰۵)

-قالیباف سرکرده اشغالگران بهارستان: «من شاهد باله به خون شهدا به خون امام شهید باورم این هست که برای من هیچ فرقی بین امام کیبومون و بین امام شهیدمون و امروز با رهبر معظم انقلاب اسلامی هیچ فرقی برای من نداره حکم حکم ولایت است، حکم حکم رهبری ست.» (تلویزیون حکومتی شبکه خبر، شنبه ۲۴ مرداد ۱۴۰۵)

-آخوند حسینی همدانی، نماینده ولی فقیه در استان البرز می گوید: «... هرچی دل شان می خواهد می گویند بعد می گویند حیف که بحث وحدت است نمی توانم چیزی بگویم... گفتند کشور را با امر و نهی نمی شود جامعه را اداره کرد...» (ایرنا، جمعه ۲۳ مرداد ۱۴۰۵)

-آخوند حسین محمدی، روضه خوان نمایش جمعه در اصفهان می گوید: «دو گفتمان در کشور ما چند وقتی است در حوزه رسانه ای و سیاسی ایجاد شده در کنار اون گفتمان اصلی انقلاب گفتمان انقلاب ناب گفتمانی که امام شهیدمون داشتند امام راحل مون داشتند امام حی مون دارند و این دو گفتمان هر دو خطرناک است، یک گفتمان گفتمان وادادگی است و گفتمان دوم خطرناک گفتمان بازندگی است یعنی چی؟ یه گفتمان اینه بعضی ها واداده اند همه چی را می گویند بدهیم بره برای اینکه راحت باشیم راحت ترین کار بهترین ساده ترین اش اینه که بگیریم بدهیم برو...» (تلویزیون حکومتی شبکه خبر، شنبه ۲۴ مرداد ۱۴۰۵)

حرفهای پزشکیان در روز جمعه ۳۰ مرداد وضعیت رژیم را نشان می دهد. او با خالی بندی مدعی شد که: «تمام دنیا به پیروزی ایران اذعان دارند» و نتیجه گرفت که به همین دلیل بهتر است «امروز جنگ را پایان دهیم». پزشکیان برای این که بهانه به دست باندنهای مخالف ندهد گفت: «ما به هیچ عنوان در برابر قلدری سر خم نخواهیم کرد و هیچ تردیدی در آن وجود ندارد». (رادیو فردا) پزشکیان خطاب به کسانی که «خارج از گود نشسته اند» و «نمی دانند دولت در چه شرایطی است، مجلس در چه شرایطی است و فرماندهان در چه شرایطی هستند، بی محابا اظهارنظر و تحلیل می کنند، هیچ رنج و سختی هم به آنها نرسیده و بعد هم دم از گرانی می زنند»، از مذاکره با آمریکا دفاع کرد. پزشکیان «چشم بسته غیب می گوید» زیرا همگان می دانند تمام شاکله قدرت به درماندگی رسیده و همزمان جامعه را به فلاکت سوق داده است.



خلیفه سوم نظام که رسانه های حکومتی او را «آیت الله [یک شبه] سیدمجتبی حسینی خامنه ای» معرفی می کنند در نقش سرکرده کل قوا، با صدور احکام جداگانه مسئولیتها و ماموریتهای شش تن از سرکردگان و کارگزاران رده اول نیروهای مسلح را ابلاغ کرد.

بر اساس این احکام، پاسدار علی عبداللهی به عنوان سرکرده ستاد کل نیروهای مسلح و پاسدار کیومرث حیدری به عنوان جانشین سرکرده ستاد کل نیروهای مسلح، پاسدار احمد وحیدی سرکرده کل سپاه پاسداران، پاسدار مصطفی ایزدی جانشین سرکرده کل سپاه، آخوند حسین طائب سرکرده سازمان بسیج مستضعفین و پاسدار علی عظمایی سرکرده نیروی دریایی سپاه منصوب شدند.

پیش از این، پاسدار محسن (سبزواری) رضایی میرقائد، پس از استعفا محمدباقر ذوالقدر، از جانب ولی فقیه به عنوان نماینده اش در شورای عالی امنیت رژیم و از جانب پزشکیان به عنوان دبیر همین نهاد کمarder شد. همزمان پاسدار محمدباقر ذوالقدر، که به احتمال زیاد مجبور به استعفا شده، از جانب ولی فقیه به عنوان مشاور سیاسی اش گمارده شد.

پیرامون این برگماریهها تفسیر و تحلیلهای گوناگونی منتشر شده است. از نگاه تحلیلگران وابسته به نهادهای امنیتی ولایت خامنه ای و البته برخی کارشناسان ظاهربین، این برگماریهها، پس از ضرباتی که بر بخش بالایی هرم قدرت وارد شده یک پدیده طبیعی بوده و هیچ رمز و رازی پیرامون آن وجود ندارد.

برخی از مفسران و کارشناسان این پدیده را برای درمان حفره های امنیتی نظام ارزیابی می کنند. این گروه از کارشناسان طرح وجود «حفره امنیتی» در کشور از جانب عباس عراقچی، وزیر خارجه رژیم، را دلیل درستی ارزیابی خود می دانند.

شمار دیگری با توجه به وظیفه مهمی که به عهده پاسدار علی عبداللهی گذاشته شده و تاکید بر بازگشت یک تبهکار کهنه کار در منصب سرکرده بسیج و برگماری محسن رضایی در منصب دبیر شمام، تحلیلهای ساده اندیشانه را به حاشیه رانده و مساله را بر بستر بحران و شرایط انقلابی ارزیابی می کنند.

مجتبی خامنه ای در حکم برگماری پاسدار علی عبداللهی وظیفه «تکمیل روند ادغام ستاد کل نیروهای مسلح و قرارگاه مرکزی خاتم الانبیاء» را به عهده او گذاشته است.

طرح ادغام دو نهاد نظامی در جمهوری اسلامی از طرف علی خامنه ای مطرح شد و سرکرده آن در شرایط کنونی سرکرده ستاد کل نیروهای مسلح یعنی پاسدار علی عبداللهی است. در حقیقت مسئولیت طراحی، هماهنگی و نظارت عملیاتی با مسئولیت هماهنگی میان نیروهای مسلح (ارتش، سپاه و نیروی انتظامی) در هم ادغام می شود. این ادغام راندمان «هماهنگی»

یادداشت سیاسی ...

جامعه انفجاری، برگماریها و چشم انداز

بقیه از صفحه ۲

پزشکیان روز شنبه ۳۱ مرداد بر ضرورت پایان دادن به وضعیت «نه جنگ نه صلح» تاکید کرده و اضافه کرد که علی خامنه ای «علناً اعلام کرده بود که باید از این وضعیت نه جنگ نه صلح خارج شویم». راست یا دروغ نظر خامنه ای در آینده روشن خواهد شد. اما آن چه مهم است نه نظر ولی فقیه دوم که حرف کنونی پزشکیان است.

در همین روز، این شرایط را محمداقرب قالیباف با هشدار چنین تفسیر می کند: «ما هر چقدر قدرت نظامی داشته باشیم ولی اگر مردم گرسنه باشند و گردش مالی، رشد اقتصادی و تولید ملی نداشته باشیم، دوام نمی آوریم». (رسانه حکومتی عصر ایران)

به دنبال رسانه ای شدن گسترده حرفهای قالیباف، مرکز رسانه و اطلاع رسانی مجلس در بیانیه ای حرفهای او درباره «گرسنگی مردم و دوام نظام» را «تقطیع و تحریف شده» خواند.

این گفته ها ابعاد عمق و وسعت تضاد در درون هر قدرت را روشن می کند. به آن اضافه کنیم آن چه در روز مرده گردانی خامنه ای اتفاق افتاد. روز جمعه ۱۹ تیر ۱۴۰۵ رسانه های حکومتی خبر دادند که: جمعی شعار می دادند: «قالیباف، عراقچی، پس خون رهبرم چی؟/ حرف ما یک کلام انتقام انتقام/ لیبیک یا سید مجتبی». در همین روز سعید جلیلی در نمازجمعه مشهد خطاب به پزشکیان و قالیباف گفت: «این انتقام چیست؟ چرا این فریاد بزرگ رو ملت ما بیان می کنه؟ اگر شما می گوید ما باید فلان حقوق مان را فلان اموال مان را آزاد کنیم، بزرگترین دارایی ملت ما [بخوانید وابستگان به نظام] رهبری عزیزش بود، امروز حق این ملت دفاع از این جایگاه از این سرمایه بزرگ با انتقام است، و وظیفه مسئولین پیگیری این، انتقام حق ملت و وظیفه مسئولین است، باید این رو پیگیری کنن.» (انتخاب)

تداوم کُش توده ای، نمود جامعه انفجاری

نباید فکر کرد که این تضادها نمایشی و برنامه ریزی شده است. فقدان علی خامنه ای و جنگ چهل روزه گرچه در شاخصهای اصلی نظام ولایت فقیه تغییری صورت نداده، اما کیفیت حکمرانی و مناسبات بین باندهای درونی نظام تغییراتی صورت گرفته که کنترل آن تنها با حربه «قهر» میسر است. استفاده از قهر در مورد جامعه، از ابتدای به قدرت رسیدن خمینی و تشکیل نظام ولایت فقیه وجود داشته و در ابعاد متفاوت عملی شده است. برخلاف دیدگاههای ساده اندیشانه اعمال قهر بی سابقه در جنبش انقلابی دی ماه سال پیش، جامعه را به تسلیم نکشاند است. دستگیریهایی گسترده، شکنجه ها وحشیانه و اعدامهای روزمره نشان از ترس حکومت از برآمد توده است. روز دوشنبه ۲۶ مرداد، علی صالحی بیدادستان تهران، برای واکنش در برابر حجاب اختیاری و کنترل کافه ها و رستورانها خبر تشکیل «یک دادسرای ویژه امنیت اخلاقی» در شهر تهران با ۱۲ قاضی را رسانه ای کرد.

البته تشکیل این «بیدادسرا» هم نمی تواند شهروندان را از

کُش اعتراضی بازدارد و برای همین علاوه بر ابزار سرکوب، حکومت بر آتش جنگ می دمد.

همزمان با فروکش نسبی جنگ، شاهد برآمدهای اعتراضی هستیم که گام به گام به پیش می رود و تکامل می یابد. مزار شهیدان انقلاب شاهد خروش زنان و مردان دلیری است که شاکله نظام چهل و جنایت را نشانه می گیرند.

گسترش نافرمانی

همزمان شاهد نافرمانیهایی گسترده ای هستیم که بنیادهای استبداد مذهبی را به سُخره می گیرد. شماری از این کُشها در پنج هفته پیش از شروع ماه شهریور، که در رسانه ها پوشش داشته به قرار زیر است:

* کافه «ژوان» در مینودشت از توابع استان گلستان به دلیل عدم رعایت حجاب اجباری، توسط اداره نظارت بر اماکن این شهرستان پلمب شد.

* پلمب ۱۵ کافه و قلیانسرا در دزفول به دلیل عدم رعایت حجاب اجباری.

* پلمب کافه رستوران کاسپین در تنکابن، پس از انتشار ویدئویی از مراسم تماشای دیدار پایانی جام جهانی فوتبال.

* سه کافه در مشهد، بجنورد و بیرجند پلمب شدند. پلم برخی از این کافه ها به دلیل عدم رعایت حجاب اجباری صورت گرفته است.

* بیدادستانی استان مرکزی از بازداشت یک زن به دلیل انتشار مطالبی «اهانت آمیز» درباره راهپیمایی اربعین در فضای مجازی، خبر داد.

* کافه رستوران «بُل» در منطقه ولنجک تهران توسط نهادهای سرکوبگر پلمب شد.

* معاون بیدادستان اردبیل از پلمب سه کافه شاپ در این شهر به دلیل هنجارشکنی عنوان کرده. به گفته وی، در این راستا ۱۶ نفر نیز بازداشت شدند.

* بیدادستان عمومی و انقلاب شهرستان قائنات از پلمب یک واحد صنفی به دلیل عدم رعایت حجاب توسط مشتری و کارکنان خبر داد.

* کافه «بین یانگ» در خمین و فروشگاه لباس زنانه «مزون شبنم» در کرمان، به دلیل عدم رعایت حجاب پلمب شدند. آذر یاهو، زن ۳۹ ساله محبوس در زندان وکیل آباد مشهد، توسط شعبه چهارم دادگاه انقلاب این شهر به دلیل یک کامنت در صفحه نتانیاهو به یک سال حبس تعزیری و ۲ سال حبس تعلیقی محکوم شد.

* سرکرده انتظامی شهرستان گناوه از پلمب دو واحد صنفی به دلیل «عدم رعایت ضوابط عفاف و حجاب» خبر داد. در ادامه عنوان کرد که ۱۲ واحد صنفی دیگر نیز به دلیل تخلفات صنفی ابلاغیه پلمب دریافت کردند.

* یک زن بلاگر در پی انتشار ویدئویی در فضای مجازی و به دلیل آنچه «توهین به مقدسات» عنوان شده، بازداشت و علیه وی پرونده قضایی تشکیل شد.

* سرکرده انتظامی شهرستان گالیکش از پلمب پنج آرایشگاه زنانه و بازداشت متصدیان آنها در این شهرستان به دلیل آنچه «انتشار تصاویر غیراخلاقی در فضای مجازی» عنوان کرده، خبر داد.

* یک زن و یک مرد در پی انتشار ویدئویی که از سوی بیدادستان تهران «توهین آمیز نسبت به مراسم اربعین» توصیف شده است، بازداشت شدند. صفحات مجازی متعلق به این افراد نیز با دستور قضایی مسدود شد.

* شش واحد صنفی در شهرستانهای طبس و نیکشهر با دستور مراجع قضایی و انتظامی پلمب شدند.

* یک واحد صنفی در اصفهان به دلیل عرضه تی شرتهایی با

تصاویر و طرحهایی که توسط پلیس «مغایر با ضوابط و مقررات صنفی» عنوان شده، پلمب شد.

* رستوران «هرموسو» در تهران و فروشگاه «ون وود» در بهبهان توسط نهادهای مربوط پلمب شدند. متصدی زن این فروشگاه نیز بازداشت شد.

* هیوا سیفی زاده، خواننده موسیقی سنتی ایرانی، از بابت اتهام «ترویج فساد و فحشا» به چهار سال حبس محکوم شد.

* سرکرده کل بیدادگستری آذربایجان غربی از صدور ۱۴ کیفرخواست با اتهاماتی تحت عناوین «ترویج فحشا و فساد سازمان یافته» خبر داد.

* مجموعه «شهر کتاب» در شهرستان بابل، با دستور قضایی و توسط اداره نظارت بر اماکن عمومی پلمب شد. شهر کتاب بابل در زمینه فروش کتاب و محصولات فرهنگی و نیز برگزاری رویدادها و فعالیتهای گروهی فرهنگی فعالیت داشته است.

* بیدادستانی تهران علیه شماری از شهروندان به دلیل مخالفت با اجرای احکام اعدام معترضان دی ماه ۱۴۰۴ و بازداشت شدگان مرتبط با درگیریهای نظامی، اعلام جرم کرد. * کافه کتاب «ارغوان» در مشهد توسط نهادهای مربوطه پلمب شد.

* دو باشگاه ورزشی در شهرستان بروجرد به دلیل «اقدامات هنجارشکنانه» با دستور قضایی پلمب شدند.

* یک کاربر شبکه های اجتماعی در استان کهگیلویه و بویراحمد به اتهام انتشار «مطالبی توهین آمیز» درباره تجمعات شبانه طرفداران حکومت، بازداشت شد.

* بیدادستان اندیمشک، از بازداشت یک شهروند بلاگر در این شهرستان به دلیل آنچه «اهانت به مقدسات» عنوان کرده است، خبر داد.

* شماری از کافه رستورانهای واقع در خیابانهای سنایی و ایرانشهر تهران، توسط نهادهای سرکوبگر پلمب شدند.

* به دلیل عدم رعایت حجاب اجباری و پخش موسیقی؛ یک واحد گردشگری در بهبهان پلمب شد.

* جانشین سرکرده انتظامی استان کرمان از بازداشت ۹ شهروند در نقاط مختلف این استان به اتهام «تشویش اذهان عمومی در فضای مجازی» خبر داد.

یک گزارش کهنه نشده از واتیکان آخوندها

روزنامه حکومتی اعتماد در شماره روز چهارشنبه ۲ مهر ۱۴۰۴ پیرامون رشد کافه های قم نوشت: «...از سوی دیگر قم در آن سالها سینمای خاصی نیز نداشت و چند سالن کوچک موجود، جوابگوی مردم نبود. در آن سالها جمله ای که اکثر قمی ها در مورد تفریح می گفتند، این بود: "قم جز خورد و خوراک، تفریح دیگری ندارد".

در این فاصله آرام آرام کافه ها و بستنی فروشیها در قم در کنار پیتزا فروشیها روییدند و صاحبان کسب و کار که اقبال مردم را شاهد بودند، برای راه اندازی کافه ها از یکدیگر پیشی گرفتند. فلکه شهید دستغیب بورس بستنی فروشیهای شهر شد و اکنون بیش از آنکه به نام اصلی خود شناخته شود، بین مردم به فلکه بستنی شهرت دارد. فلکه شهید مفتاح نیز ماجرای مشابهی دارد، نخست یک کافه در آن قرار داشت و سپس اندک اندک تمام دور فلکه به کافه تبدیل شد. کافه هایی که هر یک برای جذب مشتری، دست به ابتکارات خود می زدند و در برخی از ساعات روز، جای نشستن در آنها یافت نمی شد و اکنون بیشتر به میدان کافه ها شهرت دارد.

در این سالها واکنش متولیان فرهنگی شهر به رشد کافه ها، در وهله اول محدود کردن بود. البته این واکنشی است که

بقیه در صفحه ۵



سرمافاله ...

لایه‌بندی؛ کلید تحلیل اسلام سیاسی

بقیه از صفحه ۱

و به عبارت دقیق‌تر، نقش و کارکرد سیاسی اسلام سیاسی در آن را مبنا می‌گیرند. با این حال و در یک نگاه کلی هر دو طیف در برشماری، کارکرد و ویژگی‌های سه سطح اصلی در اسلام سیاسی یعنی لایه دولتی، لایه سیاسی - سازمانی و لایه هویتی - اجتماعی اشتراک نظر نسبی دارند.

لایه دولت‌خواه

لایه دولتی اسلام سیاسی بیش از همه شناخته‌شده و تعریف شده‌تر است. این شهرت را باید مدیون تجربه رژیم ولایت فقیه از یک‌سو و جریان‌هایی مانند داعش، طالبان، اخوان المسلمین و حماس از سوی دیگر دانست. آماج نهایی لایه دولتی برپاکردن حکومت یا خلافت اسلامی است؛ رژیمی که مشروعیت خود را از خدا کسب می‌کند و رای و اراده مردم و سیستم‌های جاری و عملی شدن آن را به رسمیت نمی‌شناسد، دین را منبع قانونگذاری و حقوق فردی را حوزه شرعی می‌داند و جز آن. تمامی جریان‌ها و گرایش‌هایی که هدف خود را برپایی دولت دینی و نظم اجتماعی مبتنی بر دین تعریف می‌کنند و مبنای اداره دولت و جامعه را اسلام می‌دانند، در این لایه قرار می‌گیرند. در ادبیات بیشتر گروه‌های اپوزیسیون ج.ا. هر جا که به «اسلام سیاسی» اشاره می‌شود، مراد همین لایه آن است که مانع اصلی پیشرفت مناسبات اجتماعی و تولیدی در ایران به حساب می‌آید.

پروژه «اسلام سیاسی» در کشور ما، حاکمیت یک نظم دولتی سرمایه‌دارانه با ویژگی نظامی - امنیتی را برقرار کرده است که در آن سطوح طبقه حاکم و ساختار طبقاتی و عمیقاً ناعادلانه‌ای که پی ریخته، به وسیله دین دولتی توجیه و پنهان می‌شود. دین در این چارچوب اهرمی است که سرکوب سیاسی و طبقاتی را به حرکت درمی‌آورد و قهر ضد مردمی را با قوانین شرعی و فقه کیفری خویش سازمان می‌دهد.

لایه سیاسی/سازمانی

سطح دیگر اسلام سیاسی، لایه سیاسی و سازمانی است که آن دسته از نیروهایی را در بر می‌گیرد که با ایدئولوژی اسلامی یا به پهنه سیاست می‌گذارند و از ارزش‌ها و تعلیمات دین برای جذب نیرو و بسیج اجتماعی بهره می‌برند. اسلام سیاسی در این لایه یک بازیگر سیاسی است که متناسب با آن اشکال سازمانی به‌خود می‌گیرد و به کُش و واکنش با نیروهای دیگر می‌پردازد. با این حال، نیروهای این لایه در برخورد به مساله دولت و نقش دین در آن موضع یکسانی ندارند و دیدگاه‌های متفاوتی را پیرامون جایگاه دین در نظم اجتماعی و ابزارهای آن و نیز سمتگیری اجتماعی نمایندگی می‌کنند. از این نظر لایه یاد شده تفاوت مهمی با لایه دولتی دارد که نیروهای آن موضع همگن و یگانه‌ای در اصلی‌ترین پرسش‌های در برابر دارند. بخشی از نیروهای این لایه که در قالب احزاب، سازمان‌ها یا جنبش‌های مذهبی فعالیت می‌کنند، خواهان دولت اسلامی هستند و کُش آنها در این جهت متمرکز شده است. نقد آنها بر شرایط موجود به طور عمده جهتگیری مذهبی دارد، مرزبندی آنها چه در سیاست داخلی و چه بین‌المللی بر مبنای خیر و شر صورت می‌گیرد و در پهنه اجتماعی بر نقض و نبود پایبندی به احکام و هنجارهای شرعی انگشت می‌گذارند. اخوان المسلمین، حزب‌الله لبنان و دستجات شیعی - نیابتی عراق نمونه‌های مشخص این دسته جریان‌ها هستند.

شاخه دیگری از این لایه را نیروهایی تشکیل می‌دهند که دین را مهم و اساسی می‌دانند اما خواهان دولت تمام دینی نیز نیستند. آنها با ادغام مستقیم شریعت در ساختارهای دولتی و قضایی میانه‌ای ندارند، اگرچه به ترویج مذهب در جامعه کُکم می‌کنند و نهادهای آن را تحت حمایت خود می‌گیرند. بورژوازی تکنوکرات اسلامی که برای انباشت به فناوری، تخصص و کارآمدی و آموزش وابسته است، یکی از نیروهای اصلی این بخش است. اینان که اغلب به بورژوازی شهری تعلق دارند، در چارچوب نظم موجود دارای سرمایه و موقعیت ممتاز اقتصادی هستند و در پیوند با بخش تجاری یا شرکت‌های بزرگ قرار دارند. از این رو، در حالیکه مدافع نوعی اسلام‌گرایی نرم در کادر قوانین و تنظیمات سیاسی - اجتماعی آن هستند، اما نظم عرفی حاکم را به سود خویش می‌دانند. رابطه آنها با دین ماهیت پراگماتیستی دارد و به حفظ و بسیج نیروی اجتماعی‌ای کُکم می‌کند که برای تأثیرگذاری در سیاست، ساختارها و قدرت بدان نیاز دارند. همانگونه که پیداست ابزار کشاندن این نیروی اجتماعی به زیر پرچم خود اخلاق و نمادهای اسلامی و هویت دینی است و منافع مشخص طبقاتی و هویت طبقاتی را حذف می‌کند، آنچه که به خط و برنامه این جریان‌ها خصلتی پوپولیستی داده است. حزب «عدالت و توسعه» ترکیه و جریان «النهضة» در تونس در این دسته بندی جای می‌گیرند. شاخه دیگر لایه سیاسی/سازمانی، دموکرات‌های مذهبی هستند که اگرچه آنان نیز از دین و ارزش‌های

آن برای جذب و بسیج نیروی اجتماعی استفاده می‌کنند، اما برخلاف بورژوازی تکنوکرات اسلامی، به دلیل داشتن نوعی آگاهی طبقاتی، مرزبندی روشن و عمیق‌تری با دولت دینی دارند. جریان‌های این شاخه باوجود قائل بودن به هویت مذهبی به مثابه نیروی همبستگی سازمانی یا اجتماعی، برای آن سازوکاری مدنی تعریف می‌کنند که در خدمت حل تضادهای سیاسی - اجتماعی قرار دارد. براین اساس، هویت دینی آنها می‌تواند در خدمت عدالت، دموکراسی، اصلاحات یا انقلاب قرار بگیرد و زبان اخلاقی ضرورت مادی شدن ارزش‌های اجتماعی مُدرن باشد.

لایه هویتی

پایه و ستون اجتماعی هر دوی این دو سطح از اسلام سیاسی (لایه دولتی و لایه سیاسی - جنبشی/سازمانی) مجموعه‌ای از گروه‌هایی اجتماعی هستند که لایه هویتی آن را تشکیل داده‌اند. برای این لایه اجتماعی دین امری فراتر از یک اعتقاد شخصی است و هویتی جمعی به حساب می‌آید که توده باورمند را از طریق مرزبندی‌های فرهنگی و سیاسی با فرهنگ و سیاست مسلط، به کُش و رفتار جمعی فرامی‌خواند. این گرایش در مساجد، موسسات خبریه‌ای، مراکز فرهنگی، مدارس دینی، انجمن‌های محلی و جز آن بازتاب تشکیلاتی می‌یابد که در آنها دین به مثابه منبع و معیاری برای تنظیم حوزه‌های کُش و داوری فردی و جمعی همچون اخلاق، خانواده، سبک زندگی و جهتگیری سیاسی معرفی می‌شود. به این ترتیب تشکلهای یاد شده یک هویت مشترک را شکل می‌دهند که گفتمان آن اسلام سیاسی است و با هنجارها و نمادهای مشخص، خود را از گفتمان‌های سوسیالیستی، سکولاریستی یا ناسیونالیستی متمایز می‌کند.

اگرچه این جمعیت‌ها خصلت جنبشی و فرهنگی دارند، با این حال به خوبی می‌توانند به ابزار نخبگان و تشکلهای آنان برای کسب قدرت سیاسی تبدیل شوند. گفتمان هویتی از پیش پای مشروعیت و حقانیت اسلام را به میان آورده، گرد آن نیروی اجتماعی بسیج کرده و شبکه‌های اجتماعی گوناگون سازمان داده است. تمامی اینها پیش‌شرط‌های مطلوبی برای ولایت‌مداران و خلیفه‌گرایان است تا خود را به سطح دولت برکشند. تجربه تاریخی قدرت گرفتن خُمینی نشان می‌دهد که چگونه این فاکتورها به گونه موثر در تغییر سیاسی به سود این نیروی مخرب دخالت داشتند. خُمینی از آنها به مثابه شبکه تبلیغاتی و بسیج‌گر استفاده کرد، از پایگاه آنها برای خود اعتماد ساخت و از هویت مذهبی برای پوشش نقش‌ها و آماجش بهره برد.

یک علت عمده در ظرفیت لایه هویتی برای دستکاری شدن ایدئولوژیک و استفاده ابزاری توسط نخبگان دینی و سیاسی، درونمایه غیرطبقاتی آن است. سمتگیری اجتماعی با تکیه انحصاری به اخلاق و ارزش‌های دینی، قادر به مرزبندی واقعی یا تمیز دادن پروژه‌های سیاسی ولایت‌مداران و خلیفه‌گرایان برای کسب قدرت و سطوح طبقاتی که در همین بسته‌بندی عرضه می‌شود نیست. هویت دینی همچون پرده‌ای ضخیم، جایگاه مادی افراد و جریان‌ها را در شکل‌بندی اقتصادی-اجتماعی و ساختار ناشی از آن می‌پوشاند.

برآمد

در برخورد به مساله آلترناتیو و اصل جدایی دین از دولت، تفکیک لایه‌های اسلام سیاسی اهمیت کلیدی پیدا می‌کند. بدون شناخت لایه‌ها و تفکیک آنها برحسب پایگاه طبقاتی، نیروی اجتماعی، برنامه، دستور کار و سرانجام آفتی که به سوی آن حرکت می‌کنند، تصویر روشنی از صحنه سیاسی و بازیگران آن وجود نخواهد داشت. این صف‌بندی، آرایش و جهتگیری نیروهای موجود در صحنه اجتماعی نسبت به مساله دولت دینی ج.ا. و نیز سکولاریسم را تشخیص‌پذیر ساخته و در پی آن مرز میان نیروهای مدافع دولت سکولار و مخالفان آن را روشن می‌کند.

از سوی دیگر، همانگونه که می‌توان مشاهده کرد، یکسان انگاری جریان‌های اسلام سیاسی به ایجاد یک دوقطبی سیاسی مصنوعی راه می‌برد یا می‌تواند برای آن فضا ایجاد کند که در یک طرف آن دین‌هراسی و در طرف دیگر دین‌محوری استقرار یافته‌اند. تخصصات بیهوده و انحراف مبارزه در پهنه سیاسی - اجتماعی به کشمکش در حوزه‌های نظری، عقیدتی و شخصیت‌ها از محصولات این دوگانه‌سازی است.

یادداشت سیاسی ...

جامعه انفجاری، برگماریه‌ها و چشم انداز

بقیه از صفحه ۳

جنبش دادخواهی

سدی در برابر بازتولید جنایت است

زینت میرهاشمی

اما در کنار عادی‌سازی جنایت، فراموشی و کتمان آن نیز به همان اندازه خطرناک است. جنایتی که به فراموشی سپرده شود، جنایتی است که امکان تکرار آن بیشتر می‌شود. هنگامی که حقیقت پنهان بماند، قربانیان بی‌نام و نشان شوند، خانواده‌ها از حق دانستن حقیقت محروم بمانند و عاملان جنایت بدون پاسخگویی به کار خود ادامه دهند، پیام روشن آن برای حاکمان این است که می‌توان جنایت کرد و از مجازات گریخت.

دهه ۶۰ و به‌ویژه قتل‌عام زندانیان سیاسی در تابستان ۱۳۶۷، نمونه روشن چنین روندی است. هزاران زندانی سیاسی در زندان‌های جمهوری اسلامی، پس از محاکمه‌های چنددقیقه‌ای و در روندی مخفیانه، اعدام شدند و پیکر بسیاری از آنان در گورهای جمعی، از جمله در خاوران، به خاک سپرده شد.

از این رو مبارزه علیه اعدام، همزمان مبارزه‌ای علیه فرهنگ مصونیت، علیه فراموشی و علیه پرده پوشی جنایت دولتی است. هر نامی که از قربانیان برده می‌شود، هر حقیقتی که آشکار می‌گردد و هر خانواده‌ای که صدایش شنیده می‌شود، بخشی از دیوار فراموشی را فرو می‌ریزد.

در برابر رژیم‌هایی که بقای خود را در سرکوب، اعدام و ایجاد رعب جستجو می‌کند، حافظه تاریخی و جنبش دادخواهی سدی در برابر بازتولید جنایت است.

فراسوی خبر ... دوشنبه ۲۶ مرداد

روز یکشنبه ۲۵ مرداد، شهرام صادقی، از قیام کنندگان دی‌ماه خونین، سربهدار شد. صفی طولانی از زندانیانی وجود دارند که هر اذان جلادان، یادآور افتادن طناب دار بر گردن شان است. در شرایط بحرانی کنونی و در حالی که زندگی و معیشت مردم بیش از پیش به سقوط کشانده شده، چوبه‌های دار بیش از هر زمان دیگری رونق یافته است.

باوجود جهانی شدن اعتراض علیه اعدام در جمهوری اسلامی و نیز فعالیتهای مخالفان این حکم غیرانسانی و همراهی با خانواده های محکومان، چرخه خشونت و اعدام همچنان ادامه دارد. اعدام‌های دهه ۶۰ نسل‌کشی در تابستان خونین ۶۷ گورهای جمعی در خاوران، کشتار معترضان در قیامهای سالهای ۸۸، ۹۶، ۹۸، ۱۴۰۱ و ۱۴۰۴ و قتل‌عام جمعی در خیابان در دی‌ماه ۱۴۰۴ و... نشان می‌دهد که رژیم قصد عقب نشینی در برابر مردم ندارد. از این منظر، هر روز و هر لحظه باید حافظه تاریخی را با یادآوری جنایت‌های رژیم به‌روز کرد. در هم‌آوردی میان جبهه مخالفان اعدام و رژیم اعدامی، جنبش دادخواهی باید هرچه گسترده‌تر شود. انفجار خشم مردم در خیابان و رویارویی آنان با مزدوران سرکوبگر، هیچ ذره‌ای از مسئولیت رژیم در قبال جنایت‌هایش نمی‌کاهد. این حکومت است که با سرکوب و سلب آزادی و امنیت مردم، بروز خشم آنان و شکل مبارزه و شوریدن علیه بی‌عدالتی را به جامعه تحمیل می‌کند. از این رو، پرونده‌سازی علیه شهروندان معترضی که در نبردهای خیابانی با مزدوران در دی‌ماه بازداشت شده‌اند، محکوم است.

هلهله، کف‌زدن و شکرگزاری امام‌جمعه‌ها برای اعدام دستگیرشدگان، چیزی جز ترویج تنفر و حس انتقام‌گیری نیست. وقتی عدالت وجود ندارد و حکومتگران آرامش را از مردم سلب می‌کنند، طبیعی است که یکی از ابتدایی‌ترین واکنش‌ها، سلب آرامش از آنان باشد.

وقتی جنایتی آنقدر تکرار می‌شود، کم‌کم به امری عادی تبدیل می‌شود. برپایی چوبه‌دار در خیابان از جمله ابزارهای حکومت برای عادی‌سازی جنایت و خشونت دولتی است. تکرار، خود به ابزاری برای عادی‌سازی تبدیل می‌شود و می‌توان گفت رژیم تا اندازه‌ای در این زمینه موفق بوده است؛ به‌ویژه در سال‌های سیاه دهه ۶۰ و قتل‌عام سال ۶۷ که جنایت‌ها در تاریکی و به دور از چشم جامعه صورت گرفت.

منحصر به قم نیست و در همه جا کم و بیش وجود دارد. در دهه ۸۰ پلمب کردن کافه‌ها به سبب حضور دختران و پسران جوان، امری رایج بود تا جایی که برخی از کافه‌ها یک طبقه را به دختران و خانواده‌ها و طبقه دیگر را به پسران اختصاص داده بودند.

آمارها نشان می‌دهد که اکنون تراکم کافه‌ها در قم از لندن و نیویورک نیز بیشتر است.

لندن با نزدیک به ۱۰ میلیون نفر جمعیت حدود ۳۷۰۰ کافه دارد یعنی به ازای هر صد هزار نفر، ۳۷ کافه در این کلانشهر وجود دارد. نیویورک نیز با حدود ۸ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر جمعیت، حدود ۴ هزار کافه دارد یعنی به ازای هر صد هزار نفر، ۴۷ کافه در نیویورک خدمات ارائه می‌کنند.

اگر تعداد کافه‌های قم را ۹۰۰ عدد در نظر بگیریم، با توجه به جمعیت ۱ میلیون و ۵۰۰ هزار نفری این شهر، به ازای هر صد هزار نفر، ۶۰ کافه در قم وجود دارد و قم را در این مقایسه بالاتر از لندن و نیویورک قرار می‌دهد.

تعداد کافه‌های قم به نسبت جمعیت از تهران نیز بیشتر است. جمعیت تهران بنا بر آمارها، ۱۳ میلیون نفر تخمین زده می‌شود و تعداد کافه‌های آن ۶ هزار کافه گفته شده است، یعنی به ازای هر صد هزار نفر، تهران ۴۶ کافه دارد.»

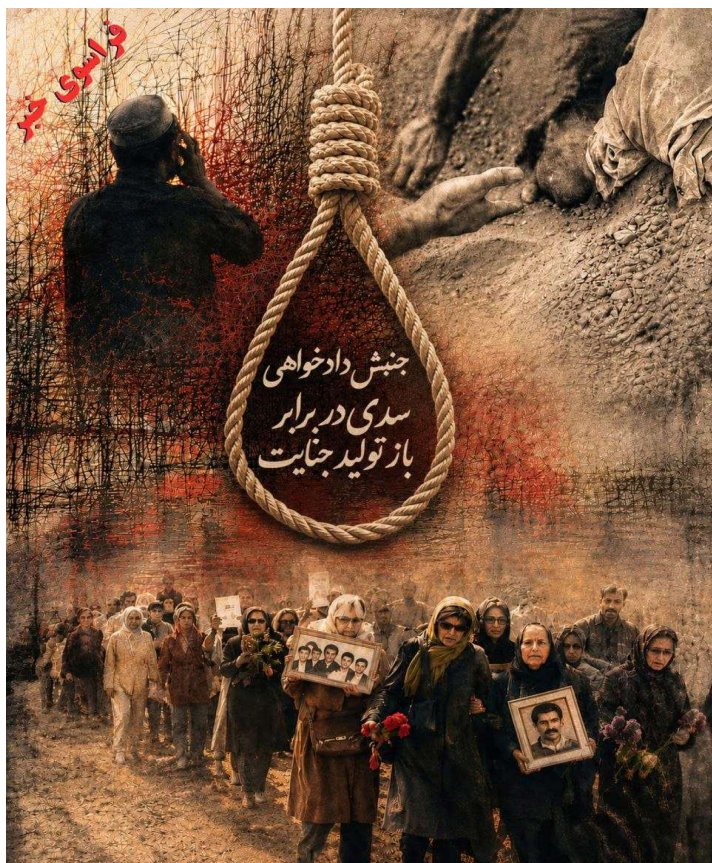
دنیا را چه دیدی؛ روزی فراخواهد رسید که در کنار مسجد جمکران، بزرگترین دیسکو در خاورمیانه رونمایی شود.

و در پایان، آن چه پایان نیافته!

پیش از این پاسدار سرلشکر محمد علی (عزیز) جعفری، سرکرده پیشین سپاه پاسداران که اکنون یکی از چهره‌های پشت پرده نزدیک به مجتبی خامنه‌ای است گفته بود: «در گام دوم انقلاب باید مدیریت جهادی از جنس اسلام ناب در مقابل مدیریت لیبرال قد علم کند.» (انصاف نیوز، سه شنبه ۱۹ آذر ۱۳۹۸)

وی همچنین مساله بی‌حجابی را تیشه به ریشه انقلاب اعلام کرد و گفت: «عدم رعایت حجاب می‌تواند تیشه به ریشه انقلاب بزند.» (رویداد ۲۴، جمعه ۴ آبان ۱۴۰۳)

او مبتکر سپاه استانی و پس از آن نظریه پرداز کنترل بسیجی با سازماندهی «محله محور» بود. اکنون و بر اساس آن چه در بالا آمد؛ پاسخ به پرسش محوری این یادداشت و در حقیقت به چرایی «برگماریه‌ها»، چنین است: بحران و شرایط انقلابی پس از سرکوب قیامهای شبانه در جنبش انقلابی دی ماه، به پایان نرسیده و چشم انداز جامعه انفجاری همچنان جنبش و قیام برای رهایی است و اکنون ستیز آن همچنان رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه است. تدبیر خلیفه سوم، سازماندهی نیروی نظامی امنیتی برای مهار خروش توده‌ای است.



دانشگاه در ماهی که گذشت (مرداد ۱۴۰۵)

کامران عالمی نژاد

جمعی از دانشجویان دانشگاه علامه، روز پنجشنبه ۸ مرداد ۱۴۰۵، بیانیه‌ای در محکومیت اعدام و نقض سیستماتیک حق حیات شهروندان صادر کردند، بخش‌هایی از این بیانیه را می‌خوانید:

«مجازات اعدام در ایران سال‌هاست از یک مجازات کیفری فراتر رفته و به ابزاری برای اعمال خشونت سازمان‌یافته علیه شهروندان تبدیل شده است؛ ابزاری که هدف آن نه تحقق عدالت، بلکه ایجاد رعب، خاموش کردن صدای اعتراض و تحمیل سکوت بر جامعه‌ای است که خواهان آزادی، کرامت و حق تعیین سرنوشت خویش است. اعدام، پیش از هر چیز، نقض بنیادی‌ترین حق بشر، یعنی حق حیات است؛ حقی که هیچ حکومت و هیچ ساختار قدرتی نمی‌تواند آن را از انسان‌ها سلب کند.»

جنایت‌های دی‌ماه ۱۴۰۴ پایان سرکوب مردم ایران نبود. پس از کشته شدن هزاران انسان بی‌گناه در خیابان‌های کشور، موج تازه‌ای از بازداشت‌ها، پرونده‌سازی‌ها و صدور احکام سنگین آغاز شد. جمهوری اسلامی، به جای پاسخ‌گویی به بحران‌های عمیق سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، بار دیگر مسیر سرکوب را انتخاب کرد و اعدام را به ابزاری برای انتقام سیاسی و ایجاد وحشت عمومی تبدیل کرد...

ما، جمعی از دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی، صدور و اجرای احکام اعدام و نقض بنیادین حق حیات شهروندان را محکوم می‌کنیم... اراده آزادیخواهی درهم شکسته نخواهد شد؛ همان‌طور که خونهای ریخته‌شده در آبان، صدای مردم ایران را خاموش نکرد، خونهای ریخته‌شده در دی‌ماه نیز خاموش نخواهد کرد. هر نسلی که سرکوب می‌شود، نسل دیگری را آگاه‌تر و مصمم‌تر به میدان می‌آورد. ما در کنار خانواده‌های قربانیان احکام بی‌رحمانه اعدام می‌ایستیم و در برابر آنها سکوت نخواهیم کرد.»

۶۰ درصد فضای دانشگاه‌ها مختص سه دهک بالایی درآمدی جامعه



روز پنجشنبه ۸ مرداد ۱۴۰۵، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در تازه‌ترین گزارش خود اعلام کرده است که «شکاف طبقاتی در آموزش عالی» تشدید شده و دانشگاه‌های دولتی به تدریج از بستری برای تحرک اجتماعی به فضایی در اختیار اقشار مرفه تبدیل شده‌اند.

بر اساس این گزارش، از بیش از ۵۰۰ هزار دانشجوی دانشگاه‌های دولتی، سهم سه دهک پایین درآمدی به کمتر از ۵.۶ درصد رسیده، در حالی که نزدیک به ۶۰ درصد ظرفیت این دانشگاه‌ها در اختیار سه دهک بالایی درآمدی است.

در این گزارش تغییر ترکیب جمعیتی دانشگاه‌ها و شکاف طبقاتی در این نهاد علمی تأیید شده و از «طرح نوین تغذیه دانشجویی» به‌عنوان یکی از دلایل عمیق‌تر شدن این شکاف نام برده شده است.

بقیه در صفحه ۷

علی صاعی روز ۱۳ اسفندماه ۱۴۰۴ (۳ مارس ۲۰۲۶) توسط نیروهای حکومتی در شهرستان ملارد بازداشت شد. وی پس از اتمام مراحل بازجویی در بازداشتگاه‌های امنیتی، به زندان تهران بزرگ منتقل گردید.

حذف نام دانشگاه‌های ایران از رتبه‌بندی تایمز



برای نخستین‌بار از زمان آغاز انتشار رتبه‌بندی «دانشگاه‌های تأثیرگذار» موسسه آموزش عالی تایمز (Times Rankings Higher Education Impact)، نام هیچ دانشگاهی از ایران در نسخه سال ۲۰۲۶ این فهرست دیده نمی‌شود. رخدادی که در کنار افت مداوم جایگاه دانشگاه‌های ایران در دیگر نظام‌های معتبر رتبه‌بندی جهانی، بار دیگر وضعیت آموزش عالی کشور را زیر ذره‌بین برده است. بر اساس نتایج منتشر شده در روز چهارشنبه ۷ مرداد ۱۴۰۵، در رتبه‌بندی سال ۲۰۲۶ تایمز، یک‌هزار و ۶۴۶ دانشگاه از ۱۱۶ کشور بر پایه اهداف توسعه پایدار سازمان ملل متحد (SDGs) ارزیابی شده‌اند. با این حال، برخلاف سال‌های پیش، نام ایران به‌طور کامل از این فهرست حذف شده و موسسه تایمز نیز تاکنون توضیحی درباره علت این موضوع ارائه نکرده است.

همزمان، نتایج تازه‌ترین رتبه‌بندی جهانی QS نیز از ادامه روند نزولی دانشگاه‌های ایران حکایت دارد. رتبه‌بندی QS که از معتبرترین نظام‌های ارزیابی آموزش عالی در جهان به شمار می‌رود، دانشگاه‌ها را بر اساس شاخص‌هایی مانند اعتبار علمی، کیفیت پژوهش، میزان استناد به مقالات، نسبت استاد به دانشجو، همکاری‌های بین‌المللی و اشتغال‌پذیری فارغ‌التحصیلان ارزیابی می‌کند.

بیانیه جمعی از دانشجویان دانشگاه علامه در محکومیت اعدام



نابینایان پشت در دانشگاه فرهنگیان. داوطلبان نابینایی که با وجود قبولی در آزمون و مصاحبه پذیرش نهایی نشدند (شرق، شنبه ۱۰ مرداد ۱۴۰۵)

قتل پارسا ابیضی، دانشجوی دامپزشکی



پارسا ابیضی، متولد ۱۳۸۴ و دانشجوی رشته دامپزشکی در جریان خیزش ۱۸ دی ۱۴۰۴ در آستانه اشرفیه توسط سرکوبگران جمهوری اسلامی به قتل رسید. او همراه با دوست خود در حال کمک به زخمیها و توزیع ماسک بود که در جریان حمله سرکوبگران جمهوری اسلامی مورد اصابت گلوله قرار گرفت. تیر به پای او اصابت کرد و بر اثر خونریزی جان باخت. پیکر او شبانه در لنگرود به خاک سپرده شد.

محکومیت ۱۰ سال حبس برای دانشجوی رشته کامپیوتر



روز پنجشنبه ۱ مرداد ۱۴۰۵، حکم ۱۰ سال حبس تعزیری علی صاعی، دانشجوی ۲۲ ساله رشته کامپیوتر و از بازداشت‌شدگان اعتراضات، توسط شعبه ۳۶ بیدادگاه تجدیدنظر استان تهران عیناً تأیید شد.

بر اساس همین گزارش، این حکم پس از رد اعتراض در مرحله تجدیدنظر توسط شعبه ۳۶ بیدادگاه تجدیدنظر استان تهران، قطعییت یافته و به وی ابلاغ شده است. علی صاعی هم‌اکنون در زندان تهران بزرگ (زندان فشافویه) دوران حبس خود را سپری می‌کند.

دانشگاه در ماهی که گذشت

بقیه از صفحه ۶

ضرب و شتم امیرحسین مرادی در اوین



به گزارش هرا، نیروهای گارد زندان اوین روز شنبه ۱۰ مرداد با ورود به بند هفت، امیرحسین مرادی، احسان رستمی و افشین رنگریز، زندانیان سیاسی را مورد ضرب و شتم قرار داده و به مکانی نامعلوم منتقل کردند. این سه زندانی در جریان این اقدام مجروح شدند. شدت ضرب و شتم موجب جراحات این سه زندانی و پاره شدن لباسهای آنها شده است. امیرحسین مرادی، دانشجوی رشته فیزیک دانشگاه صنعتی شریف، در تاریخ ۲۲ فروردین ۱۳۹۹ توسط نیروهای وزارت اطلاعات بازداشت و به زندان اوین منتقل شد. وی در پرونده‌ای مشترک با علی یونس، ابتدا به ۱۰ سال حبس به‌عنوان مجازات اشد محکوم شد که این حکم در مرحله تجدیدنظر عیناً تأیید شد. پس از پذیرش درخواست اعاده دادرسی، میزان حبس قابل اجرای او به شش سال و هشت ماه کاهش یافت.

بازداشت عرفان عربی، دانشجوی نخبه دانشگاه

بیرجند



عرفان عربی، ۲۰ ساله، دانشجوی رشته مهندسی کامپیوتر دانشگاه آزاد بیرجند، عضو تیم توسعه ی سیستم عامل پارچ لینوکس و از فعالان آزادی اینترنت، روز شنبه ۱۰ مردادماه برای اجرای حکم ۳ سال حبس خود بازداشت و به زندان بیرجند منتقل شد.

عرفان عربی، پیشتر توسط بیدادگاه انقلاب به ۸ سال حبس (۵ سال قابل اجرا) محکوم شد و این حکم در بیدادگاه تجدید نظر به ۳ سال حبس اجرایی تغییر یافت. بیدادگاه انقلاب، آقای عربی را به اتهاماتی مانند «اجتماع و تبانی» و «تبلیغ

علیه نظام» محکوم کرده بود اما جزئیات این محکومیت تنها به شکل شفاهی به این دانشجو ابلاغ شده بود.

محکومیت ۹ ماه پابند برای دانشجوی دانشگاه

تبریز



مهتاب صالحی دانشجوی زبان و ادبیات فرانسه دانشگاه تبریز که از ۱۹ دی ماه ۱۴۰۴ تا ۱۸ اسفند همان سال در بازداشت به سر می‌برد، به یکسال حبس محکوم شد. بر اساس گزارشها، پس از تسلیم به رای صادره، حکم این دانشجو به ۹ ماه پابند تبدیل شده و در روز دوشنبه ۱۲ مرداد ۱۴۰۵، اجرا شد.

جان یک دانشجو در خطر است!



نجمه امینی، دانشجوی رشته حسابداری در مشهد، پس از ۶ ماه بازداشت بی‌وقفه، با عناوین اتهامی سنگین امنیتی مواجه شده و در معرض خطر صدور احکام سنگین قرار گرفته است. بر اساس آخرین گزارشها، این دانشجوی معترض با اتهاماتی چون «مبارزه»، «سب‌النبی»، «توهین به رهبری» و «درگیری با مأموران امنیتی» در بیدادگاه انقلاب مشهد محاکمه شده است. منابع حقوق بشری تأکید کرده‌اند که او از زمان بازداشت تا به امروز، از حق اولیه برخورداری از وکیل انتخابی و دادرسی عادلانه محروم مانده و در مراحل بازجویی برای اخذ اعترافات اجباری تحت فشارهای شدید قرار داشته است.

این دانشجوی ۲۳ ساله روز ۱۳ بهمن‌ماه در جریان بازرسیهای منطقه بازار فردوسی مشهد با اعمال خشونت و ضرب و شتم بازداشت شد. مأموران امنیتی او را پس از دستگیری به زندان وکیل‌آباد منتقل کردند و وی حدود سه ماه را در سلول انفرادی در بند امنیتی این زندان سپری کرده است.

لپ‌تاپ اجاره‌ای؛ وضعیت تحقیرآمیز دانشجوی ایرانی



به گزارش خبرنگار امیرکبیر، درحالی که مزدوران رژیم نامشروع جمهوری اسلامی سالانه میلیاردها دلار از ثروت ملی را صرف سرکوب، تروریسم و گسترش فساد سیستماتیک می‌کنند، حق اولیه آموزش و ابزارهای دسترسی به علم برای نسل جوان ایران به یک رویای دست‌نیافتنی تبدیل شده است. تورم افسارگسیخته و سقوط بی‌سابقه‌ی ارزش پول ملی در تابستان امسال، برخی دانشجویان کشور را به نقطه‌ای رسانده که حتی توان خرید یک لپ‌تاپ معمولی را ندارند و مجبور به اجاره‌ی ساعتی و روزانه ابزار تحصیلی خود شده‌اند.

بر اساس آمارهای منتشرشده، یک لپ‌تاپ میان‌رده دانشجویی در مردادماه امسال به قیمت باورنکردنی ۶۰ تا ۸۰ میلیون تومان رسیده و هزینه تهیه یک دستگاه مناسب برای رشته‌های فنی و مهندسی از ۸۰ میلیون تومان تجاوز می‌کند. در پیامد این ویرانی اقتصادی، دانشجویانی که زیر بار فشار معیشتی کمر خم کرده‌اند، ناچارند برای پیشبرد پروژه‌های درسی خود، هزینه‌های سنگینی چون ساعتی ۱۰۰ تا ۱۵۰ هزار تومان یا روزانه ۲ میلیون تومان را برای اجاره‌ی لپ‌تاپ بپردازند.

دومین روز تجمع اساتید اخراجی دانشگاه فرهنگیان

روز دوشنبه ۲۶ مرداد، جمعی از اساتید اخراجی دانشگاه فرهنگیان برای دومین روز متوالی در مقابل وزارت آموزش و پرورش و در اعتراض به تداوم وضعیت نامناسب شغلی خود تجمع اعتراضی برگزار کردند.

این تجمع در اعتراض نسبت به بی‌توجهی مسئولان مربوطه نسبت به وضعیت بلاتکلیف این معترضان صورت گرفته است. به گفته این شهروندان، سال پیش بدون توجه به مصوبه سال ۱۳۹۶ هیئت امنای دانشگاه فرهنگیان مبنی بر امکان استمرار خدمت اعضای هیئت علمی تا سن ۶۵ سالگی، بیش از ۳۲۰ نفر از اعضای هیئت علمی به شیوه‌ای اجباری، گزینشی و تبعیض‌آمیز بازنشسته شده‌اند.

تارا فرهنگیان به حبس، شلاق و تبعید محکوم شد

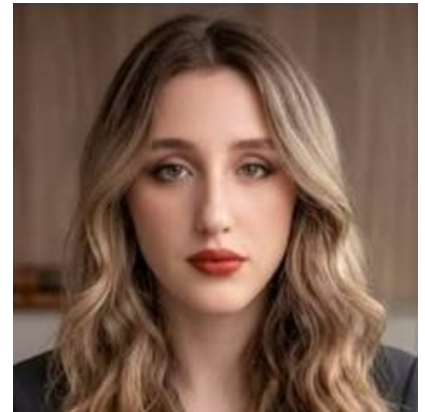
تارا فرهنگیان، دانشجوی اهل قروه و از بازداشت‌شدگان اعتراضات دی‌ماه ۱۴۰۴، توسط مراجع قضایی این شهرستان به یک سال حبس، تحمل ۳۱ ضربه شلاق، پرداخت ۱۲۰ میلیون تومان جزای نقدی و دو سال تبعید به شهرستان زابل محکوم شد.

خانم فرهنگیان توسط شعبه ۱۰۲ بیدادگاه کیفری قروه از بابت اتهامات «اخلال در آسایش و نظم عمومی» و «تمرد نسبت به مأمورین حین انجام وظیفه» به یک سال حبس تعزیری و ۳۱ ضربه شلاق محکوم شد. وی به عنوان مجازات تکمیلی به دو سال تبعید به شهرستان زابل نیز محکوم شده است.

بقیه در صفحه ۸

دانشگاه در ماهی که گذشت

بقیه از صفحه ۷



این شهروند همچنین در بخش دیگر پرونده خود با حکم بیدادگاه انقلاب شهرستان قروه بابت اتهامات «تبلیغ علیه نظام» و «اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم بر ضد امنیت داخلی» به پرداخت ۱۲۰ میلیون تومان جزای نقدی محکوم شده است.

تارا فرهنگیان، ۲۱ ساله، اهل قروه و دانشجوی رشته تربیت بدنی دانشگاه همدان، در جریان اعتراضات دی ماه ۱۴۰۴ بازداشت و پس از مدتی با توبیخ وثیقه آزاد شده بود.

تایید حکم پنج سال حبس مهشاد کشانی



حکم پنج سال حبس مهشاد کشانی، دانشجو و از بازداشت‌شدگان اعتراضات دی‌ماه ۱۴۰۴، روز سه شنبه ۲۰ مرداد ۱۴۰۵، در بیدادگاه تجدیدنظر استان اصفهان عیناً تایید شد. او هم‌اکنون در زندان دولت‌آباد اصفهان محبوس است. کشانی پیش‌تر در شعبه پنجم بیدادگاه انقلاب اصفهان به اتهام‌های «تبلیغ علیه نظام»، «اخلال در نظم عمومی» و «تحریک مردم برای کشتار» به پنج سال حبس محکوم شده بود.

او ۱۰ دی‌ماه سال پیش و همزمان با اعتراضات سراسری در اصفهان بازداشت شد. کشانی پس از تشکیل پرونده‌ای جدید، برای اجرای حکم پرونده قبلی به زندان دولت‌آباد اصفهان منتقل شد.

کشانى پیش‌تر نیز در سال ۱۴۰۳ در پرونده‌ای دیگر از سوی شعبه اول بیدادگاه انقلاب اصفهان به ریاست قاضی محمد توکلی به شش سال حبس محکوم شده بود. با اعمال ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی، پنج سال از این حکم قابل اجرا اعلام شد و چهار سال و شش ماه آن به مدت ۱۰ سال به حالت تعلیق درآمد.

او همچنین در همان پرونده به دو سال ممنوعیت خروج از کشور و دو سال ممنوعیت فعالیت در فضای مجازی محکوم شده بود.

صدور حکم اعدام برای کمک به مجروحان



قوه قضائیه جمهوری اسلامی سپهر امیرزاده، دانشجوی پزشکی و زندانی سیاسی محبوس در زندان اصفهان، را به اعدام محکوم کرد. منابع حقوق بشری می‌گویند کمک‌های او به معترضان زخمی در اعتراضات سراسری دی ۱۴۰۴ در روند پرونده وی تاثیر زیادی داشته است.

کانون حقوق بشر ایران روز پنجشنبه ۲۲ مرداد ۱۴۰۵، اعلام کرد جزئیات اتهامات، مستندات دادگاه، و متن کامل حکم اعدام این جوان معترض هنوز منتشر نشده و در دسترس قرار نگرفته است.

با این حال، گزارش‌ها حاکی از آن است که کمک‌های درمانی و خدمات اولیه پزشکی و امدادی این دانشجوی متولد ۱۳۸۲ به شماری از مجروحان و معترضان زخمی اعتراضات، در روند تشکیل پرونده و صدور حکم وی مورد توجه نهادهای حکومتی و قضایی قرار گرفته است.

سپهر امیرزاده، که اهل رامهرمز خوزستان و ساکن شهر اصفهان است، ۲۳ دی ۱۴۰۴ در منزل خود در اصفهان بازداشت شد. او پس از بازداشت، مدتی در بازداشتگاه‌های امنیتی نگهداری، و سپس برای طی مراحل بازجویی به زندان این شهر منتقل شد.

ده مورد احکام اخراج برای دانشجویان شریف

کمیته انضباطی دانشگاه شریف، برای سه دانشجوی دیگر این دانشگاه حکم بدوی اخراج صادر کرده است. پیش از این برای هفت دانشجو حکم اخراج صادر شده بود و تاکنون تنها حکم رضا دالمن توسط وزارت علوم نهایی شده است. با توجه به احکام صادره، تعداد دانشجویانی که حکم بدوی اخراج دریافت کرده‌اند به ۱۰ نفر رسیده است. اسامی سه دانشجویی که به‌تازگی حکم بدوی اخراج دریافت کرده‌اند به شرح زیر است:

آریانا کوچکی، ورودی ۱۴۰۰ کارشناسی مهندسی صنایع
علی علیرضایی، ورودی ۱۴۰۲ کارشناسی علوم ریاضی
آرش حاتمی، ورودی ۱۴۰۲ کارشناسی فیزیک
حکم اخراج آرش حاتمی و آریانا کوچکی شامل یک سال محرومیت از تحصیل در تمامی دانشگاه‌های کشور و حکم اخراج علی علیرضایی شامل ۵ سال محرومیت از تحصیل در تمامی دانشگاه‌های کشور است.

روایتی از هجوم وحشیانه به خوابگاه دانشگاه شریف

بنابر توییت علی شریفی زارچی، استاد اخراجی دانشگاه شریف، در روز ۱۰ اسفند ۱۴۰۴، پس از کشته شدن علی خامنه‌ای، جمعی از بسیجیان دانشگاه شریف به همراه تعدادی

از روحانیون دانشگاه، مسئولان خوابگاه و نیروهای حراست، به خوابگاه طرشت ۳ هجوم بردند.

بر اساس گزارش مذکور، این دار و دسته وحوش پس از فحاشی و توهین به دانشجویان اقدام به اعتراف‌گیری اجباری از یکی از دانشجویان کردند.

در ادامه وقتی دانشجویان حاضر در ساختمان خوابگاه در واکنش به این حمله شعار مرگ بر خامنه‌ای سر دادند، این اوباش به داخل ساختمانها هجوم برده و تا نزدیک غروب روز ده اسفند در آن مکان حضور داشتند.

این هجوم در واکنش به جشن مرگ علی خامنه‌ای در محوطه خوابگاه بود.

متأسفانه پیش از این هم بارها شاهد حمله چماقداران جمهوری اسلامی به محیط زیست دانشجویان بودیم که در دو مورد برجسته‌تر آن یعنی وقایع تیر سال ۷۸ و انقلاب فرهنگی سال ۱۳۵۸، به کشته شدن تعدادی از دانشجویان منجر شد.

بیانیهی ائتلاف فعالان و رسانه‌های دانشجویی در مخالفت با اعدام

در بخشی از این بیانیه آمده است: اعدام، اجرای عدالت نیست؛ قتل عمدی انسانی است که دولت با اتکا به قانون، آن را مشروع اعلام می‌کند. هیچ نامی، از «حد» و «قصاص» تا «مجازات قانونی» و «امنیت ملی»، ماهیت این عمل را تغییر نمی‌دهد.

مخالفت با اعدام صرفاً مخالفت با یک مجازات نیست؛ مخالفت با یکی از بنیادی‌ترین ابزارهای سلطه و سرکوب دولتی است. میان سرکوب خیابان، زندان و چوبه‌دار هیچ گسستی وجود ندارد؛ این‌ها حلقه‌های مختلف یک زنجیره‌اند.

از همین‌رو، مخالفت ما محدود به اعدام سیاسی نیست؛ مخالفت ما با اصل مجازات اعدام است. هیچ دولت، دادگاه یا قانونی نباید اختیار سلب حق حیات انسان را داشته باشد. ما با هر پروژه سیاسی که عدالت را با انتقام، دادخواهی را با اعدام و گذار از استبداد را با بازتولید ماشین کشتار دولت یکی بگیرد، مرزبندی صریح داریم.

آینده‌ای که بر چوبه دار بنا شود، امتداد پیش است، نه گسست از آن.

ما، دانشجویان امضاکننده این بیانیه، دفاع از حق زندگی را جدایی‌ناپذیر از مبارزه برای آزادی، برابری و دموکراسی می‌دانیم.

ائتلاف فعالان و رسانه‌های دانشجویی دانشگاه‌های تهران، بهشتی، علامه طباطبائی، علم و صنعت، خواجه نصیر، الزهرا و شیراز/ چهارشنبه ۲۸ مرداد ۱۴۰۵

(منابع استفاده شده برای تهیه این مجموعه: تلگرام دانشجویان پیشرو، همنگاو، ایران وایر، تلگرام دانشجویان متحد، هرانا، تلگرام خبرنگارم، امیرکبیر، ایلنا، کولبرنیوز، دانشجویان متحد)



زنان در مسیر رهایی (مرداد ۱۴۰۵)

اسد طاهری

پرورش نسل تازه فناوری در استونی



به گزارش منتشر شده در روز یکشنبه ۴ مرداد، گروه HK Unicorn Squad کنفرانسی در نقطه اوج فعالیتهای سالانه خود برگزار کرد. این جریان، سازمانی غیردولتی که در سال ۲۰۱۸ به ابتکار تاوی کوتکا، یکی از معماران تحول دیجیتال استونی، و همسرش کریستین تاسیس شد. این سازمان در سراسر کشور آموزش رایگان فناوری به دختران ارائه می‌کند تا زنان بیشتری را به حوزه‌های علم و مهندسی جذب کند. تاوی کوتکا در حالی کارگاه رباتیک را هدایت می‌کند که گروههای دختران نوجوان سرگرم ساختن و برنامه‌نویسی رباتهایی شبیه اسباب‌بازی هستند و او از دور نظاره می‌کند و گهگاه راهنماییهایی می‌دهد.

تاوی کوتکا با خنده می‌گوید: «آنها باید خودشان، بدون هیچ راهنمایی، ظرف ۳۰ دقیقه راه‌حل را پیدا کنند. مساله حل‌شدنی است، من خودم در ۴۰ دقیقه حلش کردم».

اما او به خاطر دستاوردهایی به مراتب بزرگ‌تر شناخته می‌شود.

کوتکا کارآفرین حوزه فناوری است که به عنوان نخستین مدیر ارشد اطلاعات استونی در شکل‌گیری دولت پیشروی دیجیتال این کشور نقش داشته و اکنون در تدوین استراتژی ملی هوش مصنوعی به دولت مشاوره می‌دهد.

ایجاد تغییرات مثبت از راه نوآوری انگیزه اصلی این مهندس است که مدیرعامل استارت‌آپ توسعه کسب‌وکار KOOS.io نیز هست.

او می‌گوید: «حل مسائلی در مقیاس کشور برای من چالشی جذاب است. وارد کردن دختران بیشتر به رشته‌های مهندسی یک مساله ملی است. مهندسان فقط مشکلات مکانیکی را حل نمی‌کنند، ما می‌توانیم مشکلات اجتماعی را هم برطرف کنیم».

ایده پروژه HK Unicorn Squad از دل تجربه‌ای خانوادگی شکل گرفت.

وقتی در مدرسه ابتدایی، باشگاه رباتیک کوچک شد و هلنا، دختر تاوی کوتکا، و تنها دختر دیگر عضو این باشگاه از گروه کنار گذاشته شدند، او تصمیم گرفت فضایی ویژه دختران ایجاد کند.

هلنا خود دوره یونیکورن اسکواد را گذرانده و حالا به نسل جوان‌تر دختران این گروه آموزش می‌دهد.

قدرت دختران می‌تواند استونی را رقابتی‌تر کند

او قصد دارد پزشکی بخواند. هلنا در حالی که به گروهی از دختران آموزش می‌دهد چگونه پهاپداها را به پرواز درآورند، می‌گوید: «هر بخش به فناوری بیشتر و بیشتری نیاز دارد».

بقیه در صفحه ۱۰

مساله اساسی امروز این نیست که آیا حکومت تلاش خواهد کرد کنترل خود را بر زنان افزایش دهد یا نه؛ شواهد سالهای گذشته نشان می‌دهد که چنین تلاشی ادامه خواهد داشت. مساله این است که آیا این تلاش می‌تواند جامعه را به وضعیت پیش از «زن، زندگی، آزادی» بازگرداند؟ پاسخ به نظر می‌رسد، منفی است.

جنبش «زن، زندگی، آزادی» همه مطالبات زنان را محقق نکرد و جمهوری اسلامی نیز همچنان از ابزارهای گسترده سرکوب برخوردار است. اما یک مرز اجتماعی شکسته شده است: ترس دیگر مانند گذشته تعیین‌کننده رفتار میلیونها زن ایرانی نیست. حکومت می‌تواند قانون اجباری وضع کند، اما نمی‌تواند باور مردم به آزادی را با قانون از میان ببرد. و دقیقاً به همین دلیل است که مبارزه بر سر بدن و زندگی زنان، در نهایت بخشی از مبارزه بزرگ‌تر جامعه ایران برای آزادی، برابری و رهایی از مناسبات استبدادی است.

زنان ایران به گذشته باز نمی‌گردند؛ مساله امروز این است که این نیروی اجتماعی چگونه می‌تواند از مقاومت‌های پراکنده به یک نیروی سازمان‌یافته، آگاه و سراسری برای تغییر تبدیل شود.

طالبان شش کارمند «نهاد تحقیقاتی حقوق زنان» را بازداشت کرد



روز پنجشنبه ۱ مرداد، سازمان زنان افغانستانی، اعلام کرد که طالبان پنج روز پیش با یورش به دفتر «نهاد تحقیقاتی حقوق زنان و کودکان» در کابل به رهبری زرقا یفتلی، فعال حقوق زنان، شش کارمند این نهاد را بازداشت کرده و تاکنون از سرنوشت آنان خبری در دست نیست.

این نهاد، با نشر دربیانه‌ای در شبکه اکس خود از دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل، یوناما، کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ و دیگر سازمانهای بین‌المللی حقوق بشر خواسته است که برای روشن‌شدن وضعیت این افراد و آزادی فوری و بدون قیدوشرط آنان اقدام کنند.

در بخشی از این بیانیه آمده است: «هیچ‌کس نباید به دلیل شرکت در فعالیتهای مسالمت‌آمیز مدنی، بشردوستانه، آموزشی یا حقوق بشری بازداشت شود. سکوت در برابر چنین اقدامهایی تنها به نقض بیشتر حقوق بشر دامن می‌زند».

این نهاد افزوده که طالبان در جریان این یورش، تجهیزات، اسناد و وسایل کاری این نهاد را نیز ضبط کرده‌اند. طالبان تاکنون در مورد این بازداشت‌ها چیزی نگفته‌اند.

«نهاد تحقیقاتی حقوق زنان و اطفال» در بخش حقوق زنان و کودکان و در زمینه‌های آموزش، دادخواهی، پژوهش و تهیه‌ی گزارش‌های تحقیقی درباره‌ی وضعیت زنان و کودکان فعالیت داشت

«هزینه پردازان بحرانها زنان هستند. فقر؛ مشکلات معیشتی همراه با تهدیدهایی مانند خشونت؛ قتل و تجاوز؛ زندگی بسیاری از زنان را با بحران مواجه کرده است. تنگ نظریهای سیاسی از جمله سختگیرها در مورد حجاب و پوشش و برخورد های قضایی بر امنیت و آزادی آنان فشار مضاعف وارد می کند. / جهان صنعت، یکشنبه ۱۸ مرداد ۱۴۰۵

«اقتصاد ایران با این حجم از زنان تحصیل کرده چه کرده است؟ زنان تحصیل کرده؛ اقتصاد بی بهره. / تعادل، دوشنبه ۱۹ مرداد ۱۴۰۵

«خشونت از خانه تا خیابان؛ ممکن است خشونت روزی به خانه شما هم راه پیدا کند؛ خشونت خانگی بار دیگر گریبان یکی از زنان این سرزمین را گرفت؛ فرقی ندارد خانه دار باشید یا مدیر و خبرنگار یا فروشنده. انتشار تصاویر روی بدن وید رسانی، روزنامه نگار و فعال سیاسی بار دیگر موضوع خشونت خانگی علیه زنان را به صدر توجه ها آورد. جهان صنعت،شنبه ۲۴ مرداد ۱۴۰۵

خیزش ۱۴۰۱، زنان نیروی اجتماعی تغییر

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای جنبش ژینا (زن، زندگی، آزادی)، که در آستانه سومین سالگرد آن هستیم، این بود که زنان را نه به عنوان قربانیان منفعل سیاستهای جمهوری اسلامی، بلکه به عنوان یک نیروی اجتماعی و سیاسی موثر به مرکز تحولات ایران آورد.

این زنان منتظر اجازه حکومت برای زندگی کردن نیستند. آنان در دانشگاه، محل کار، خیابان، شبکه‌های اجتماعی و عرصه‌های فرهنگی، شکل‌های مختلفی از مقاومت و نافرمانی مدنی را تجربه کرده‌اند.

البته این مقاومت هزینه دارد. بازداشت، پرونده‌سازی، اخراج، محرومیت تحصیلی، فشار اقتصادی و تهدیدهای امنیتی همچنان ابزارهای حکومت هستند. اما هزینه سرکوب نیز برای جمهوری اسلامی افزایش یافته است؛ زیرا هر برخورد با یک زن می‌تواند به مساله‌ای اجتماعی تبدیل شود و شکاف میان حکومت و جامعه را عمیق‌تر کند.

اشتباه بزرگی است اگر مقاومت زنان را تنها به تجمعهایی خیابانی یا لحظه‌های اوج جنبشها محدود کنیم. جنبشهای اجتماعی فقط در خیابانها زنده نمی‌مانند؛ بخشی از آنها به رفتارهای روزمره، تغییر مناسبات اجتماعی و نافرمانیهای فردی و جمعی منتقل می‌شوند.

امروز هر زنی که حق انتخاب پوشش خود را مطالبه می‌کند، هر زنی که در برابر تحقیر و تبعیض مقاومت می‌کند و هر مردی که این حق را به رسمیت می‌شناسد، بخشی از همان تغییر اجتماعی است.

از این منظر، جمهوری اسلامی ممکن است بتواند خیابانی را برای مدتی کنترل کند، اما نمی‌تواند به آسانی آگاهی و تجربه‌ای را که در جامعه شکل گرفته است، سرکوب کند.

بازگشت به گذشته ممکن نیست

زنان در مسیر رهایی

بقیه از صفحه ۹

ممنوعیت حلقه نامزدی و حنابندان



وزارت ارشاد، حج و اوقاف رژیم طالبان با استناد به برخی روایات مذهبی، استدلال کرده که رسم حلقه دست هم کردن دختر و پسر پیش از عقد شرعی چون باعث لمس دست یکدیگر می‌شود، جایز نیست و حنا گذاشتن کف دست عروس و داماد نیز حرام اعلام شده است.

وزارت حج و اوقاف رژیم طالبان ادعا کرد که حلقه دست کردن ریشه در آیینهای مسیحی دارد و تقلید از آن جایز نیست. وزارت ارشاد حج، و اوقاف رژیم طالبان روز پنجشنبه یکم مرداد، متن ۱۰ صفحه‌ای با عنوان «اجتناب از منکرات و رسوم خلاف شرع در محافل عروسی و سایر خوشیها» را به ائمه مساجد در سراسر افغانستان فرستاد و از آنان خواست در خطبه‌های نماز جمعه این مطالب را برای مردم بیان کنند. این سند که به دو زبان دری و پشتو تهیه شده، اگرچه به‌صراحت از تصویب قانون یا دستور اجرایی تازه‌ای سخن نمی‌گوید، در عمل فهرستی مفصل از رفتارهایی را که طالبان «خلاف شرع» می‌دانند، در اختیار روحانیون قرار داده و بسیاری از رسوم جالفتاده از جمله حلقه دست کردن در مراسم نامزدی، حنا گذاشتن کف دست عروس، ملاقات دختر و پسر پیش از مراسم نامزدی، پخش موسیقی در مراسم نامزدی و عروسی، آرایش عروس و حتی استفاده از عطر را هم حرام اعلام کرده است.

این دستورالعمل از شهروندان افغانستان می‌خواهد که جشن‌های خود را مطابق با «آموزه‌های اسلامی» برگزار کنند. در متن آمده است: «امروزه شاهدیم که بسیاری از جشن‌های ما، مانند عروسی‌ها و مناسبت‌های بازگشت از حج و عمره، عاری از آداب و رسوم نامطلوب و رذایل نیستند.»

این رهنمود بنا به فرامین و قوانینی صادر شده که عمدتاً قبلاً نشر شده است اما مثال‌های واضح آن ممکن است محدودیت‌های بیشتری در جامعه ایجاد کند.

برخی محافل عروسی در کابل و شهرهای بزرگ هنوز در تالارهای مجلل و با حضور صدها مهمان برگزار می‌شود.

برخی منتقدان این توصیه‌ها می‌گویند که عروسیها از مهم‌ترین شادی‌های مردم افغانستان به شمار می‌روند و در هر ولایت با رسوم و سنتهای متفاوت برگزار می‌شوند.

به باور آنان، این توصیه‌ها به ویژه برای زنان، محدودیت تازه‌ای در زندگی اجتماعی ایجاد می‌کنند.

در متن منتشر شده توسط وزارت حج و اوقاف حکومت طالبان گفته شده است که در بسیاری از مراسم نامزدی و عروسی، عروس برای آرایش به آرایشگاهها برده می‌شود و در آنجا برخی کارهایی انجام می‌شود. از خطیبان نماز جمعه خواسته شده که این موارد در خطبه‌ها «برخلاف شریعت» به مردم تشریح شوند.

گزینش دبیرکل سازمان ملل



روز پنجشنبه ۸ مرداد، شورای امنیت سازمان ملل روند انتخاب دبیرکل بعدی این سازمان را آغاز کرده و نخستین «رأی گیری آزمایشی» را برای سنجش میزان حمایت از هفت نامزد برای این سمت مهم و پرنفوذ جهانی برگزار می‌کند.

تاکنون چهار زن و سه مرد برای جانشینی آنتونیو گوترش وارد رقابت شده‌اند؛ گوترش دومین دوره پنج‌ساله خود را در ۳۱ دسامبر ۲۰۲۶ به پایان خواهد رساند. تاکنون هیچ زنی برای تصدی این سمت انتخاب نشده است.

نامزدها عبارت‌اند از: میشل باشله از شیلی، ماریا فرناندز اسپینوسا از اکوادور، رافائل گروسی از آرژانتین، ربکا گرینسپن از کاستاریکا، اولارا اوتونو از اوگاندا، کارولین رودریگز-بیرکرت از گویان و مکی سال از سنگال.

اگرچه رافائل گروسی، رئیس آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، از نظر آوازه شاید برجسته‌ترین نامزد باشد، ناظران معتقدند که در حال حاضر هیچ نامزد مشخصی به‌عنوان گزینه پیش‌نشان در این رقابت که ممکن است چندین ماه طول بکشد، وجود ندارد.

حتی اگر یک نامزد بتواند ۹ رأی لازم از مجموع ۱۵ رأی شورای امنیت را به دست آورد، باید از وتوی پنج قدرت بزرگ نیز در امان بماند؛ قدرت‌هایی که در حال حاضر اختلافات عمیقی با یکدیگر دارند.

پس از آنکه یک نامزد از این مراحل عبور کند، نام او برای تأیید نهایی به مجمع عمومی سازمان ملل، متشکل از همه کشورهای عضو، ارسال خواهد شد.

چهار باشگاه ورزشی زنان در یزد پلمب شدند



چهار باشگاه ورزشی زنان در شهر یزد توسط پلیس نظارت بر اماکن عمومی پلمب شدند. مقامات مسئول جزئیاتی درباره علت این اقدام ارائه نکرده‌اند. با این حال، با توجه به موج اخیر برخورد با کسب‌وکارها، صفحات مجازی و اماکن عمومی، این احتمال را تقویت می‌کند که پلمب این باشگاهها نیز در ادامه همان روند صورت گرفته باشد.

رئیس پلیس نظارت بر اماکن عمومی استان یزد علت این اقدام را «تخلقات انتظامی» عنوان کرد اما جزئیاتی در این خصوص ارائه نکرد.

به گفته وی، پلمب این باشگاهها پس از بازدید مأموران پلیس اماکن با همراهی نماینده اداره ورزش و جوانان و با اخذ مجوز قضایی انجام شده است.

در فاصله ۲۰ تیر تا ۱۰ مرداد ماه، دستکم ۲۳ واحد صنفی در شهرهای مختلف پلمب شده‌اند و بررسی مجموعه این رخدادها نشان می‌دهد که دامنه این محدودیتها از فضای مجازی فراتر رفته و عرصه عمومی را نیز دربر گرفته است.

وضعیت زنان افغانستان نمونه‌ای از آپارتاید جنسیتی است



روز آدینه ۱۶ مرداد، گروهی از حقوقدانان و کارشناسان بین‌المللی حقوق بشر با نشر «اعلامیه بین‌المللی درباره آپارتاید جنسیتی و پیامدهای ویرانگر آن»، خواستار پایان آپارتاید جنسیتی در افغانستان و درج ممنوعیت آن در حقوق بین‌الملل شده‌اند.

براساس این اعلامیه، امضاکنندگان گفته‌اند که طالبان پس از سلطه در آگوست ۲۰۲۱، با صدور فرمانها و وضع محدودیتها، حقوق اساسی زنان و دختران را محدود کرده‌اند.

آنان وضعیت زنان افغانستان را «آپارتاید جنسیتی» خوانده و خواستار رسیدگی بین‌المللی به آن شده‌اند.

در این اعلامیه همچنین تأکید شده است که ادامه این وضعیت بحران بشری را تشدید می‌کند و زنان آسیب‌دیده باید از حمایت‌های بین‌المللی برخوردار شوند.

امضاکنندگان هشدار داده‌اند که تداوم این وضعیت پیامدهای دراز مدت دارد و از جامعه جهانی خواسته‌اند برای پایان دادن به آپارتاید جنسیتی در افغانستان اقدام فوری انجام دهد.

روایت زنان افغانستان از فقر، خشونت و تبعیض



شماری از زنان در بدخشان، می‌گویند که پس از ازدواج دوم همسران شان، با کاهش حمایت مالی، فشارهای روانی، افزایش اختلاف‌های خانوادگی و نگرانی درباره آینده خود و فرزندان‌شان روبه‌رو شده‌اند. آنان می‌گویند در مواردی که توانایی اقتصادی و رعایت عدالت میان خانواده‌ها وجود نداشته باشد، پیامدهای این تصمیم بیش‌تر متوجه زنانی می‌شود که امکان دفاع از حقوق خود را کم‌تر دارند.

بقیه در صفحه ۱۱

زنان در مسیر رهایی

بقیه از صفحه ۱۰

در بدخشان، شماری از زنان می‌گویند که پس از ورود همسر دوم به زندگی خانوادگی‌شان، نه تنها روابط عاطفی میان اعضای خانواده تغییر کرده، بلکه مشکلات اقتصادی و فشارهای روانی نیز افزایش یافته است. آنان از احساس ناامنی، ترس از رهاشدگی، کاهش اعتمادبه‌نفس و نگرانی درباره‌ی آینده‌ی فرزندان‌شان ابراز نگرانی می‌کنند. بی‌بی‌نسا، باشنده بدخشان، می‌گوید پیش از ازدواج دوم همسرش، زندگی خانوادگی آنان با وجود چالشهای اقتصادی، ثبات بیش‌تری داشت. به گفته‌ او، تصمیم همسرش برای تشکیل خانواده دوم، تغییر بزرگی در زندگی او و فرزندانش ایجاد کرد

زنان و انتخابات آمریکا



طبق اعلام دانشگاه راتگرز، اهالی مینه‌سوتا تمام نامزدهای زن جمهوری‌خواه و دموکرات را برای فرمانداری و سنای ایالات متحده انتخاب کردند، این اولین باری است که در برکه رأی یک ایالت برای این سمت‌ها فقط زنان از احزاب اصلی حضور دارند.

یک ترکیب کاملاً زنانه در ماه نوامبر پیش‌تاز نامزدهای حزبی خواهد بود و رأی‌دهندگان حزب دموکرات و جمهوری‌خواه در رقابتهای آزاد فرمانداری و سنای ایالات متحده، نامزدهای زن را انتخاب می‌کنند.

ایمی کلوپوچار، دموکرات و لیزا دموت، جمهوری‌خواه، در رقابت فرمانداری با هم روبرو خواهند شد. به جز موارد پیش‌بینی نشده، برنده اولین مدیر اجرایی زن ایالت خواهد بود. مینه‌سوتا جزو ۱۹ ایالتی است که هرگز زنی را برای این سمت انتخاب نکرده است.

نامزدهای فرمانداری و سنا به رأی‌دهندگان مینه‌سوتا این حق انتخاب را می‌دهند که از بین زنان موفق یکی را انتخاب کنند. چهار نامزد روز سه‌شنبه رقبای اولیه خود را شکست دادند و به رأی‌گیری ماه نوامبر راه یافتند. این انتخابات مقدماتی با بیش از ۱ میلیون رأی، بزرگترین مشارکت در تاریخ مدرن را به خود دید.

ماهیت تکان‌دهنده‌ی مبارزات انتخاباتی امسال از دید پرندگان پنهان نماند.

کلوپوچار به هوادارانش در یک کارخانه‌ی آجوسازی در مینه‌تونکا گفت که او یک رهبر آزمایش‌شده است که بر نتایج تمرکز دارد. با این حال، او به جمعیت، دستاورد خود را به عنوان "اولین زن منتخب به سنای ایالات متحده از ایالت مینه‌سوتا" یادآوری کرد.

لیزا دموت، نماینده‌ی جمهوری‌خواه، در یک رویداد انتخاباتی در پاسویی رستوران سنت پال، بر "اولین" خود تأکید کرد.

او گفت: "وقتی به عنوان رهبر اقلیت گروه خود انتخاب شدم، اولین زن جمهوری‌خواه بودم که تا به حال به مقام ارشد رسیده‌ام، و سپس اولین سخنگوی جمهوری‌خواه به عنوان یک زن و یک فرد رنگین‌پوست - این یک افتخار است. اما من به مینه‌سوتا نگاه می‌کنم که بالاخره اولین فرماندار زن خود را خواهد داشت. وقتش رسیده است."

و این پگی فلائنگان، دموکرات، در مقابل میشل تافویا، جمهوری‌خواه برای سنای ایالات متحده است. برنده جایگزین سناتور بازنشسته تینا اسمیت خواهد شد. این چهار نامزد روز سه‌شنبه رقبای اولیه را شکست دادند و به رأی‌گیری نوامبر راه یافتند. انتخابات مقدماتی شاهد بیشترین میزان مشارکت در تاریخ مدرن بود و در مجموع از ۱ میلیون رأی فراتر رفت.

قابله‌ام و باردار... برای آینده دخترم نگرانم

«همین سه ماه پیش بود. مادر شش فرزند بود و حدود ۴۵ سال داشت. از یک خانواده فقیر. دیر به کلینیک رسیده بود از یک ولسوالی دور. به خاطر نبود دکتر و قابله... بسیار تلاش کردیم... هم وضعیت نوزادش بد بود و هم خودش! دو شبانه‌روز با مرگ دست و پنجه نرم کرد و سرانجام تلاشهای ما نتیجه نداد و جان داد. تنها توانستیم نوزادش را نجات بدهیم.»

این روایت مرضیه (نام مستعار) یکی از قابله‌ها در افغانستان است که از پنج سال به این سو در کلینیکی کار می‌کند که برای حدود ۵۱ هزار نفر خدمات ارائه می‌کنند. این کلینیک دکتر متخصص زنان ندارد.

او داستان مرگ این مادر را بازگو می‌کند و می‌گوید که سالانه مادران زیادی در افغانستان که می‌توانند زنده باشند و زندگی کنند، به خاطر نبود دکتر و ماما در هنگام زایمان جان خود را از دست می‌دهند: «درناک است. سرنوشت این نوزاد و شش طفل دیگر بدون مادر چه خواهد شد؟ سرنوشت تمام خانواده چطور خواهد شد؟ همه‌مان ناراحت و جگرخون بودیم... برای ما سخت ترین تجربه، لحظات از دست دادن مریض‌مان است.»

افغانستان از جمله کشورهایی است که بالاترین آمار مرگ و میر مادران را دارد. این کشور با کمبود کارکنان امور بهداشتی زن از جمله قابله و ماما روبرو است. با وجود این حکومت طالبان نخست مکاتبات را از کلاس ششم به بالاتر، سپس دانشگاه‌ها و پس از آن مراکز تحصیلات نیمه عالی طبی را به روی دختران بستند.

مردان حاکم زنان‌اند و آنان را به حجاب مجبور کند



طالبان در یک قانون تازه اطاعت از امر امیرالمؤمنین را «واجب» دانسته و تصمیم‌گیری در مورد جهاد را از صلاحیتهای ویژه او قلمداد کرده و در مورد زنان نیز حکم

کرده‌اند که مردان حاکمان زنان هستند و می‌توانند چند زن بگیرند و آنان را بر رعایت حجاب وادارند.

وزارت عدلیه طالبان روز ۲۵ مرداد قانون جدیدی را با عنوان «نصاب مبلغان» منتشر کرد که از سوی هیت‌الله آخوندزاده، رهبر این گروه توشیح شده است.

این قانون در شش فصل، مسائلی را توضیح می‌دهد که بیانگر اندیشه و سیاست طالبان است و مبلغان باید از طریق منبر و مسجد و در سخنان خود بر مردم ابلاغ کنند و برخی مسائل اعتقادی و اصول عبادی را به‌صورت مداوم آموزش دهند.

قانون تازه طالبان مساوات در بین زن و مرد را صرف هنگام اعطای کردن چیزی از سوی والدین به فرزندان لازم دانسته و گفته است که این برابری شامل میراث نمی‌شود.

قانون جدید طالبان در باب «حقوق زن و شوهر»، زن را ملزم به اطاعت از شوهر دانسته و گفته است که شوهر «حاکم» بر زن است.

طالبان در این قانون تأکید کرده است که زنان باید شوهران خود را «خوشحال» نگه‌دارند و شکر احسان‌های آنان را به جا بیاورند.

در مقابل، طالبان شوهر را مکلف دانسته است تا برای زن نفقه، لباس و مسکن تهیه کند و مهر او را بپردازد.

طالبان در این قانون «چند همسری» مردان را به‌عنوان یک امر جائز تلقی کرده و گفته‌اند که «اگر مرد چند زن دارد میان آنان با عدالت رفتار کند».

همچنین در مورد «حقوق عام زنان» در قانون «نصاب مبلغان» آمده است که مردان «هیچ‌گونه ظلم و جبر بر زنان نکنند».

این قانون رضایت زن بالغ را در حین نکاح «ضروری» دانسته و گفته است که هیچ‌کسی وی را با جبر و اکراه به نکاح داده نمی‌تواند.

قانون جدید طالبان «بد دادن» را نیز نفی کرده و تصریح می‌کند که «زن مال نیست، هیچ شخصی نمی‌تواند وی را به بد بدهد».

همچنین ازدواج زن بیوه با برادر شوهر سابق اختیاری دانسته شده و آمده است که زن بیوه در صورت ازدواج از شوهر جدید نیز حق دریافت مهر دارد.

ستر و حجاب زنان همچنان یکی از دغدغه‌های اصلی طالبان در توشیح قانون است و در این سند نیز یک بخش ویژه با عنوان «ستر و حجاب» آمده است.

در این بخش، مبلغان مکلف دانسته شده‌اند که محرم و نامحرم را تعریف کنند و به مردان امر کنند که «زنان تحت سرپرستی خود را به رعایت حجاب از نامحرمان مکلف سازند».

*بد دادن یکی از رسوم مردم افغانستان بوده که در نقاط مختلف این کشور دارای اشکال گوناگون است. بد معمولاً توسط شورا، جرگه و نشست موی‌سفیدان محل یا دهستان تطبیق می‌گردد. بد زمانی به وقوع می‌پیوندد که یک مرد افغان مردی را از فامیل افغان دیگر به قتل رسانده باشد یا جرمی بزرگ را در حق کسی نموده باشد. بدین منظور غرض جلوگیری از قتل‌های دیگر دختران فامیل خود را به عقد نکاح فامیل مقتول درمی‌آورند؛ که نوعی از بردگی جنسی در افغانستان است. (ویکی‌پدیا)

(منابع استفاده شده برای این مجموعه: خبرگزاری زنان افغانستان، یورونیوز، ایندپندنت فارسی، بی‌بی‌سی، هراتنا، صبح، ان پی آر، اطلاعات روز)

اعدام؛ راهکاری برای بقای امنیت نظام

اسامی ۶۳ از زندانیان اعدام شده در مرداد ۱۴۰۵

پنجشنبه ۱۵ مرداد: حامد جهانی کله‌سر و توحید عبداللہی در اردبیل ۲ تن

شنبه ۱۷ مرداد: **مرضیه نیری** در قزوین / پیام پاکزاد و یوسف باقری در زنجان ۳ تن

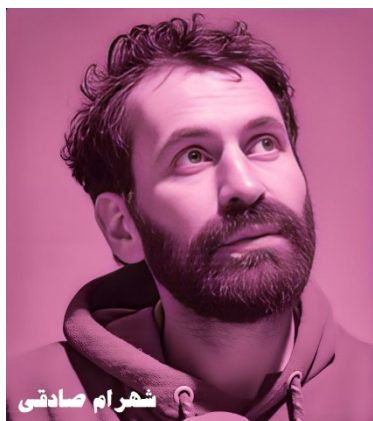
یکشنبه ۱۸ مرداد: ام‌الله دوستی و حجت خیاط در تبریز / محمد زاهدی در رامهرمز ۳ تن

دوشنبه ۱۹ مرداد: مهرداد صاحبی و نادر شیخو در اردبیل ۲ تن

سه‌شنبه ۲۰ مرداد: عارف کریمیان در اصفهان ۱ تن

شنبه ۲۴ مرداد: فرهاد محبی در اردبیل ۱ تن

یکشنبه ۲۵ مرداد: محمدعلی پذیره و حسن کردی در شیراز / محمد (چراغ) افروخته در زاهدان / **شهرام صادقی** (سیاسی) در کرج ۴ تن



سه‌شنبه ۲۷ مرداد: کاوه رفوشه در سنج / فرامرز باغبانی در اصفهان ۲ تن

چهارشنبه ۲۸ مرداد: چهارشنبه ۲۸ مرداد: فرشاد صفری و داود سیاه منصوری در کرج / عبدالباسط براهویی (عیدوزهی)، محسن دارابی، امیدرضا قنبریان و امیر فرهادی / محسن ضرونی، **دوبیا محمدی** و خداداد محمدی در ایلام / علی افزلی در سبزوار / مراد نوره در دزفول / اطف الله احمدوند در اصفهان ۱۲ تن



بقیه در صفحه ۱۳



پنجشنبه ۸ مرداد: محمد یوسفی آزاد در زنجان ۱ تن

شنبه ۱۰ مرداد: اسماعیل آقایی و محمد داودی در سمنان / **آروین خیرخواهان** (سیاسی) در شاهرود / فرزاد فیضی و حسن موسی در شیراز / محمدعلی نارویی و محمدبخش شه



بخش در دامغان ۷ تن

یکشنبه ۱۱ مرداد: مهتاب شیرمحمدی و سیروس صیادی در یاسوج ۲ تن

دوشنبه ۱۲ مرداد: **امید بهزاد** (سیاسی) و **پوریا صفوت** (سیاسی) در ارومیه ۲ تن



چهارشنبه ۱۴ مرداد: علی پناهی نژاد در دزفول ۱ تن

زندانیان سیاسی و زنان اعدام شده با رنگ سرخ مشخص شده‌اند

*برخی از زندانیان سیاسی زن، در معرض اجرای حکم اعدام به قرار زیر است:

پخشان عزیزی، زهرا شهپاز طبری، نسیمه اسلام‌زهی، مریم (مهتاب) هداوند، ارغوان فلاحی، مهناز چاردولی، وریشه مردادی، بیتا همتی و...

*مادر زنده نام سامان ابراهیم‌پور، جوان ۲۳ ساله اهل شفت که در جریان قیام توده ای در رشت به شهادت رسید، پس از شش ماه تحمل اندوه از دست دادن فرزندش، پس از ماه‌ها سوگواری و رنج ناشی از فقدان فرزندش دست به خودکشی زد و به زندگی خود پایان داد.

سامان ابراهیم‌پور، ۲۳ ساله و ساکن شهرستان شفت، روز ۱۹ دی ۱۴۰۵ در جریان خیزش مردمی در منطقه «دانای علی» رشت هدف شلیک مستقیم حکومتی قرار گرفت و به شهادت رسید.

شنبه ۳ مرداد: سردار قادری در ارومیه / جواد میرحسینی و امیرعباس حاتمی در گتند کاووس ۳ تن
یکشنبه ۴ مرداد: شمس الدین افشاری و فرج یحیایی در زنجان ۲ تن

دوشنبه ۵ مرداد: احسان مره ای در مشهد / اسحاق سیستانی در فردوس ۲ تن

سه‌شنبه ۶ مرداد: **ابوالفضل سپاهی بادجانی** (سیاسی) و **امیرحسین صفری حسین آبادی** (سیاسی) به طور علنی در میدان علیخان اصفهان / علی رسولی در همدان / امیرعلی سلیمانی و مختار علی زاده در اصفهان ۵ تن



چهارشنبه ۷ مرداد: فرزاد سبحانی و سینا بهرامی در ارومیه / نادر آبی در تایباد / احمد طباطبایی و حسن خلیلی در کرج / عزت کاظم‌زاده در گرگان ۶ تن

اعدام؛ راهکاری برای بقای امنیت نظام

بقیه از صفحه ۱۲

پنجشنبه ۲۹ مرداد: قائم (آرین) حسینی (سیاسی) در اصفهان ۱ تن



قائم (آرین) حسینی

شنبه ۳۱ مرداد: محمدرضا رضایی کن کت در خرم‌آباد ۱ تن

اعدام: جا مانده از ماههای پیش ۳ تن

۲۶ بهمن ۱۴۰۴: احسان شاهون وند در دزفول

؟؟؟ تیر ۱۴۰۵: مصطفی کرابی و جواد کرابی

چند خبر از زندان و زندانی

بیدادستانی تهران از تشکیل پرونده قضایی برای شماری از شهروندان به دلیل فعالیت در فضای مجازی و در مخالفت با اجرای احکام اعدام بازداشت شدگان مرتبط با اعتراضات دی‌ماه ۱۴۰۴ و درگیرهای نظامی اخیر، خبر داد.

هرانا به نقل از میزان، پنجشنبه ۸ مرداد ۱۴۰۵

کمیسر عالی حقوق بشر در بیانیه خود نوشت: «طبق گزارشها، اعترافها با شکنجه و دیگر رفتارهای غیرانسانی یا تحقیرآمیز اخذ شده‌اند. بنا بر گزارشها، برخی اعدامها تنها چند هفته پس از بازداشت صورت گرفته‌اند. همچنین ۱۲ متهم، پس از تنها یک جلسه سه‌ساعته غیرعلنی، به اعدام محکوم شده‌اند.»

رویترز، چهارشنبه ۱۴ مرداد

درگذشت تکتم رضانی

*روز پنجشنبه ۲۲ مرداد، تکتم رضانی، زندانی جراثیم غیرسیاسی محبوس در زندان وکیل‌آباد مشهد، در پی پارگی کیسه صفرا و تعلق در رسیدگی پزشکی و اعزام به بیمارستان، در این زندان جان باخت.

درگذشت نصرت خالدي

نصرت خالدي، محبوس در زندان مرکزی ارومیه و محکوم به اعدام، روز سه‌شنبه ۶ مرداد ۱۴۰۵، پس از سه روز تحمل درد شدید قلبی و در پی پیگیریهای مداوم خانواده و همبندیهایش، سرانجام به بیمارستان «سیدالشهدا» ارومیه منتقل شد اما تنها ۱۰ دقیقه پس از انتقال به بیمارستان جانش را از دست داده است. وی به دلیل فشار روانی ناشی از حکم اعدام، بی‌توجهی مسئولان زندان به وضعیت جسمانی و تعلق در انتقال وی به بیمارستان جان خود را از دست داد.

نصرت خالدي، اهل روستای «سنجی» از توابع ارومیه، متأهل و پدر ۵ دختر از جمله یک دختر دارای معلولیت شدید جسمی-حرکتی بود.

هه‌نگاو: یک‌شنبه ۱۸ مرداد ۱۴۰۵

فرازی از بیانیه ۳۳ کشور و نماینده عالی اتحادیه اروپا

پنجشنبه ۲۲ مرداد ۱۴۰۵ - ۱۳ اوت ۲۰۲۶

...ما اعدامهای مداوم معترضان و استفاده از مجازات اعدام توسط جمهوری اسلامی را با شدیدترین لحن ممکن محکوم می‌کنیم. استفاده از مجازات اعدام برای خفه کردن صدای مخالفان، ارباب جوامع و مجازات افرادی که حقوق بشر خود را اعمال می‌کنند، تحت هیچ شرایطی قابل توجیه نیست.... بریتانیا، آلبانی، اتریش، استرالیا، بلژیک، کانادا، کرواسی، قبرس، جمهوری چک، دانمارک، استونی، نماینده عالی اتحادیه اروپا، فنلاند، فرانسه، آلمان، مجارستان، ایسلند،



ایرلند، ایتالیا، لتونی، لیتوانی، لوکزامبورگ، مونتنگرو، هلند، نیوزیلند، مقدونیه شمالی، نروژ، پرتغال، رومانی، اسلواکی، اسلونی، اسپانیا و سوئد.

بیانیه کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل

کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل از حاکمان تهران خواست تمامی اعدامها را متوقف کرده و در مسیر لغو مجازات اعدام گام بردارد. به گفته فولکر تورک، ۲۷ مورد از مجموع ۵۶ اعدام اخیر در ایران، در رابطه با اعتراضات دی ماه انجام شده

جنگ اوکراین در راه ایران

منصور امان

بسا زودتر از آنچه که جنگ‌طلبان حاکم بر ایران حساب کرده بودند، شعار و تهدید آنها مبنی بر «گسترش جغرافیایی جنگ» به واقعیت پیوسته، فقط با این نقص نه‌چندان جزیی که قُطب‌نمای آن جهت دیگر و میدان جنگ دیگری را نشان می‌دهد.

هدف گرفته شدن یک کشتی رژیم ایران در دریای خزر توسط اوکراین، بعد تازه‌ای به مشارکت حاکمان شورج.ا در جنگ تجاوزکارانه روسیه علیه این کشور داده است. آنها تأمین‌کننده موشک، پهپادهای انتحاری و قطعاتی برای روسیه هستند که مُسکو به طور عمده از آنها برای حمله به هدفهای غیرنظامی، یعنی شهرها، روستاها و تاسیسات شهری استفاده می‌کند؛ حملاتی که به‌خوبی در طبقه‌بندی جنایات جنگی جای می‌گیرد.

در طول جنگ دو کشور، حاکمان ج.ا به گونه ابلهانه‌ای تلاش کرده‌اند نقش خود را در سایه نگه دارند. آنها ارسال جنگ‌افزار به روسیه را تکذیب می‌کنند و در هر فرصتی چند جمله کلیشه‌ای پیرامون «بی‌طرفی» را حجت قرار می‌دهند. این اما مانع نشده که اتحادیه اروپا، متحد اوکراین، آنها را یک طرف جنگ در اروپا ارزیابی نکرده و تحریمهایی را به طور مشخص به دلیل حمایت نظامی از روسیه علیه شرکت‌های کشتیرانی و هواپیمایی و بندرها اعمال نکند.

اکنون چنین می‌نماید اوکراین به عنوان یک طرف جنگ، به سمت بیرون کشیدن حاکمان شورج.ا از سایه حرکت می‌کند. آخرین باری که بازی در سایه بهم خورد، نتیجه آن حمله مستقیم اسرائیل به ایران بود. تفاوت صحنه در آن است که رژیم ج.ا در نقش ارباب به گروههای نیابتی پول و اسلحه می‌داد، اینک اما در نقش پادو به روسیه‌ی پوتین خدماتش را عرضه می‌کند و از این رو حتی به توجیهات ارزانی مانند اینکه «اگر در لبنان و سوریه نجنگیم، باید در تهران و اهواز بجنگیم» هم نمی‌تواند بیاویزد.

به همان میزان که اقدام نظامی اوکراین در دریای خزر برای رژیم ج.ا می‌تواند خسارت‌بار باشد، برای کیف تکان دادن مهره‌ای در جهت دُرست روی صفحه شطرنج ژئوپولیتیک است. هم روسیه و هم - به گونه فزاینده - ج.ا از دریای خزر برای دور زدن تحریمهای غرب استفاده می‌کنند. مُختل شدن این مسیر به ویژه در شرایطی که آمریکا یک مُحاصره دریایی را نیز علیه حاکمان ایران برقرار کرده است، ضربه اقتصادی سنگینی به ج.ا زده و تنگنای همه‌جانبه‌ای که با آن را تشدید می‌کند. کیف با این اقدام انتظار حمایت‌های سیاسی و نظامی بیشتر از آمریکا را می‌کشد، در همان حال که موضع خود در جبهه جنگ با روسیه را بهبود می‌بخشد.

حمله در دریایی خزر، رژیم حاکم را در یک بُن‌بست دُشوار قرار داده است؛ از یکطرف به این مسیر مهم دور زدن تحریم و مُحاصره نیاز دارد و از طرف دیگر، حمایت روسیه برای آن حیاتی به‌شمار می‌رود. نوسان بین این دو، در شرایطی که جنگ در شمال و جنوب جریان دارد، از غیرممکن‌هاست. در شرایط مشابه، راه‌حل جنگ‌طلبان حاکم همواره تشدید تنش بوده است، پیش از آنکه با پرداخت هزینه گزاف از کیسه منافع ملی و معیشت و سطح زندگی مردم مجبور به نوشیدن «جام زهر» شوند.

فراسوی خبر... پنجشنبه ۸ مرداد

جنبش رنگین کمان بیشماران (مرداد ۱۴۰۵)

گردآوری و تنظیم: پویا رضوانی

همزمان کارکنان بهداشت مقابل استانداری همدان دست به تجمع اعتراضی زدند. در همین روز کارکنان بیمارستانهای دانشگاه علوم پزشکی نیشابور در محدوده بیمارستان ۲۲ بهمن این شهر تجمع اعتراضی برگزار کردند.

شماری از گنشهای اعتراضی نیروهای کار

پنجشنبه ۱ مرداد

*نخستین سالگرد جان باختن سه فعال محیطزیست، حمید مرادی، چیاکو یوسفی نژاد و خبات امینی، در آرامستان بهشت محمدی سنج با شعار «یاران زنده‌یاد، راهتان یادآور مسئولیت‌مان در برابر طبیعت و زندگی است» و با حضور فعالان و انجمنهای محیط زیست، خانواده‌های جانبازان و جمعی از مردم برگزار شد.



به گزارش گردیا، در این آیین، ترانه‌سرایی و شعرخوانی توسط خوانندگان زن و مرد به یاد جانبازان انجام شد و در پایان نیز کبوترهایی به نشانه صلح و یاد آنان رها شدند. برای یادآوری، در جریان آتش‌سوزی گسترده کوه آبیدر در ۲ مرداد ۱۴۰۴، چندین تن از فعالان محیط زیست برای مهار آتش دچار سوختگی و جراحات شدید شدند. در پی شدت جراحات، حمید مرادی، چیاکو یوسفی نژاد و خبات امینی به‌ترتیب در روزهای ۳، ۵ و ۶ مرداد ۱۴۰۴ جان خود را از دست دادند.

*گروهی از رانندگان ماشین‌آلات تنظیف شهرداری بهبهان دست به اعتصاب زدند. به گزارش هرا، اتمام قرارداد و عدم تمدید آن از سوی پیمانکار، پایین بودن حقوق، نداشتن بیمه و دیگر مطالبات مزدی پرداخت نشده، از جمله دلایل اعتصاب این رانندگان محسوب می‌شود.

*جوانان متقاضی کار در روستای خضیرات برای چندمین روزم‌توالی با تجمع مقابل شرکت کشت و صنعت نیشکر حکیم فارابی واقع در جاده اهواز - آبادان خواهان اشتغال در شرکتهای فعال در این منطقه از استان خوزستان شدند. بقیه در صفحه ۱۵

اعدام بودیم. خلاصه شده حرکت‌های اعتراضی نیروهای کار و گنشهای توده‌ای در گوشه و کنار کشور را در مجموعه زیر می‌خوانید.

گنش اعتراضی پرستاران

ما پرستاران سنگ زیرین تمام بحرانها در کشور در بدترین شرایط صنفی معیشتی هستیم ما در کرونا و جنگ و بحرانها تحت بیشترین فشارهای روانی و شغلی بوده ایم. فشارهای شغلی معیشتی که توسط مافیای حاکم به ما تحمیل می‌شود کار را برای ما غیر قابل تحمل ساخته است. شورای هماهنگی اعتراضات پرستاران

دوشنبه ۵ مرداد: پرستاران بیمارستان خمینی در تهران در محوطه بیمارستان تجمع اعتراضی برگزار کردند. به گزارش شورای هماهنگی اعتراضات پرستاران، این تجمع در اعتراض به پایین بودن سطح دستمزدها و دیگر مشکلات شغلی و معیشتی پرستاران صورت گرفته است. **پنجشنبه ۸ مرداد:** شماری از پرستاران بیمارستان فیاض بخش تهران با برگزاری تجمع اعتراضی، به حجم بالای کار، کمبود نیرو، مشکلات معیشتی و پایین بودن سطح دستمزدها اعتراض دارند.



شنبه ۱۰ مرداد: تجمع پرستاران و پرسنل بیمارستانهای رازی و خمینی در ایلام

دوشنبه ۱۲ مرداد: دومین روزتجمع اعتراضی پرستاران و کارکنان بیمارستان خمینی در ایلام

سه شنبه ۲۰ مرداد: پرستاران و کادر درمان بیمارستان حکیم نیشابور با برگزاری تجمع اعتراضی مقابل ساختمان این بیمارستان، خواستار رسیدگی به مطالبات خود شدند.

دوشنبه ۲۶ مرداد: کارکنان بهداشت و درمان کشور، مقابل ساختمان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در تهران تجمع اعتراضی برگزار کردند.

سه شنبه ۲۷ مرداد: کارکنان مراکز بهداشت دست به تجمع مقابل استانداری اردبیل، زدند.

در ماه مرداد رسانه‌های حکومتی به وفور از ایر تورم و فلاکت عمومی شهروندان خبر، گزارش و تحلیل منتشر کردند. تعادل در روز یکشنبه ۴ مرداد ۱۴۰۵، نوشت: «تا تکلیف تنش و تحریم روشن نشود صحبت از مهار تورم بی معنا است.» در همین روز جهان اقتصاد خبر داد که «برای نخستین بار در تاریخ ایران تورم به مرز سه رقمی نزدیک می‌شود».

خبر جنوب در روز پنجشنبه ۱۵ مرداد ۱۴۰۵ خبر داد که «قبض آب و برق خرداد و تیر ۳۰۰ درصد گران شد». در همین روز جهان صنعت اعلام کرد که «تورم نقطه به نقطه تیرماه خانوارهای روستایی ۱۰۷ درصد گزارش شد است». افزون بر ایر تورم، جامعه ایران به شدت از بیکاری رنج می‌برد. «بر اساس آمار ارائه شده، تعداد شاغلان کشور در زمستان ۱۴۰۴ حدود ۲۴ میلیون و ۸۲۲ هزار نفر بوده، در حالی که جمعیت افراد در سن کار که خارج از چرخه اشتغال و تولید قرار دارند از ۴۱ میلیون نفر فراتر رفته است. سازمان برنامه هشدار داده است که این روند، علاوه بر پیامدهای اقتصادی، می‌تواند آثار اجتماعی گسترده‌ای از جمله افزایش فقر، کاهش درآمد خانوارها و تشدید آسیب‌های اجتماعی به همراه داشته باشد.» (سایت کلمه)

بر اساس داده‌های اعلام شده، در پایان بهار ۱۴۰۵ نرخ بیکاری به ۹۰۱ درصد و تورم نقطه به نقطه به حدود ۸۸۶ درصد رسیده است. مجموع این دو شاخص، یعنی شاخص فلاکت، به حدود ۹۷۷ درصد افزایش یافته؛ عددی که نشان‌دهنده فشار همزمان گرانی و دشواری پیدا کردن شغل در اقتصاد است.

روز یکشنبه ۱۸ مرداد ۱۴۰۵، حسین راغفر، اقتصاددان و استاد دانشگاه در یک برنامه ویدیویی که پوشش گسترده داشت گفت: «مشکل ایران اقتصاد است و اگر مسئولین نتوانند این مشکل را حل بکنند جمهوری اسلامی سقوط خواهد کرد ... غارت ثروت ایران توسط الیگارشها که از طریق حکومت به سرمایه ورود کرده اند و در امارات بیش از ۵۴۰ میلیارد دلار سرمایه گذاری کرده اند صورت می‌گیرد. تراست هم به نمایندگی از طرف دولت برای دور زدن تحریم انجام وظیفه می‌کنند و به غارت کشور مشغولند».

خبرگزاری حکومتی ایلنا گزارش داد که: یک خانواده کارگری باید ماهی ۹۰ میلیون درآمد داشته باشد تا بتواند سر پا بایستد و از پس خرج و مخارج زندگی بر بیاید اما اکثریت طبقه کارگر و مزدبگیر حتی نصف این رقم هم درآمد ماهانه ندارند. جدیدترین آمارهای مرکز آمار ایران نشان می‌دهد که «تورم نقطه به نقطه خوراکیها و آشامیدنیها در تیرماه ۱۴۰۵ به ۱۲۸۰۱ درصد رسیده است؛ رقمی که به مراتب بالاتر از تورم عمومی ۸۷۹ درصدی قرار دارد. بر این اساس، هزینه خرید یک سبد ثابت مواد غذایی نسبت به مدت مشابه سال گذشته بیش از دو برابر شده است.» (فرارو، سه شنبه ۲۷ مرداد ۱۴۰۵)

نیروهای کار در واکنش به شرایط فاجعه بار کنونی و فلاکتی که با آن درگیر هستند دستکم ۲۰۶ روز حرکت اعتراضی در ماه مرداد انجام دادند. حرکت‌های اعتراضی معلمان و دانشجویان در همین شماره ماهانه نبرد خلق پوشش داده می‌شود. در ماه تیر شاهد کارزار سه شنبه‌های نه به اعدام زندانیان سیاسی و همزمان تجمع خانواده‌های محکوم به

جنبش رنگین کمان بیشماران

بقیه از صفحه ۱۴

نیروهای سرکوب حکومت اسلامی به جوانان جویای کار یورش آوردند تا به این تجمع حق طلبانه خاتمه دهند ولی آنها میدان را خالی نکردند و با سپردن سینه های شان در برابر مقاومت کردند.

شنبه ۳ مرداد

*تعدادی از کارگران کارخانه ریخته‌گری ماشین‌سازی تبریز در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات خود برای چندمین روز متوالی، در محوطه داخلی این شرکت تجمع اعتراضی برگزار کردند. به گزارش ایلنا، کارگران شاغل در این واحد صنعتی علت استمرار این دوره از تجمع خود را عدم امنیت شغلی و بی‌توجهی مدیریت کارخانه به پرداخت حقوقهای معوقه اعلام کردند. به گفته آنان، حدود ۳۵۰ کارگر این مجموعه دستمزد ماه‌های خرداد و تیر سال جاری را دریافت نکرده‌اند و مدیریت کارخانه همچنان کمبود منابع مالی را بهانه تأخیر در پرداخت حقوق کارگران قرار می‌دهد.

*کارگران بیکار شده رستوران و آشپزخانه پتروشیمی جم برای اعتراض به بلاتکلیفی شغلی و معیشتی مقابل ساختمان اداره کار عسلویه تجمع کردند.

دوشنبه ۵ مرداد

*شماری از متقاضیان مسکن ملی ۸۱۱۲ واحدی اراک، برای بار دوم در این ماه دست به تجمع اعتراضی و تحصن زدند. به گزارش هرانا، شهروندان معترض خواستار تعیین تکلیف وضعیت پروژه و پاسخگویی مسئولان در رابطه با روند اجرای طرح هستند.

*جمعی از کارگران شرکت موتوژن تبریز در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات شان، برای پنجمین روز متوالی دست به اعتصاب زده‌اند. به گزارش آراز نیوز، اختلاف حدوداً ۱۰ میلیون تومانی در حقوق نیروهای شرکتی، حذف اضافه‌کاری، نبود سبد معیشتی، حذف وعده‌های غذایی و تهدید کارگران به اخراج از مهم‌ترین دلایل اعتصاب کارگران به شمار می‌آید.

سه شنبه ۶ مرداد

*متقاضیان طرح مسکن ملی در زنجان برای اعتراضی به بلاتکلیفی در تأمین و تخصیص زمین برای متقاضیان طرح «جوانی جمعیت» تجمع کردند. به گزارش هرانا، معترضان می‌گویند با وجود وعده مدیرکل راه و شهرسازی زنجان مبنی بر تعیین تکلیف و تخصیص زمین تا خردادماه سال جاری، تاکنون هیچ اقدام عملی در این زمینه انجام نشده است.

*کشاورزان روستای بیت علیوی در شهرستان کرخه استان خوزستان، با تجمع مقابل فرمانداری این شهرستان، به عدم تأمین حقایق و تداوم کم‌آبی اعتراض کردند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، معترضان می‌گویند طبق برنامه، باید هفته‌ای ۴۸ ساعت آب در اختیار زمینهای کشاورزی قرار بگیرد، اما در عمل آب تنها چند ساعت جریان دارد و سپس تا ۲۴ ساعت قطع می‌شود. کشاورزان تأکید دارند که ادامه این وضعیت، علاوه بر خسارت به محصولات کشاورزی، تأمین آب مورد نیاز دامها را نیز با مشکل جدی روبه‌رو کرده است.

*جمعی از کارگران معدن آهن آریانا داوران برای اعتراض به عدم پرداخت مطالبات و حق بیمه و اخراج تعدادی از همکاران مقابل فرمانداری رفسنجان در مرکز استان کرمان تجمع کرده

و خواستار تعیین تکلیف با وضعیت شغلی، پرداخت مطالبات معوق، حق بیمه و بازگشت به کار همکارانی شدند که از پایان اردیبهشت‌ماه تاکنون در بلاتکلیفی به سر می‌برند. به گزارش راه آرمان کرمان، کارگران گفتند: در پایان اردیبهشت‌ماه سال جاری، فعالیت آنان به صورت یک طرفه متوقف و حدود ۹۰ نفر از نیروهای این معدن با وعده تعطیلی موقت یک هفته‌ای و بازگشت به کار با حقوق و مزایای جدید، از ادامه فعالیت بازماندند؛ وعده ای که تاکنون محقق نشده است.

چهارشنبه ۷ مرداد

*جمعی از کارگران اخراج شده شرکت گروه ملی فولاد ایران در اهواز، مقابل ساختمان استانداری خوزستان دست به تجمع زدند.

*جمعی از کارگران معدن و کلینکر سیمان خوزستان برای اعتراض به تبعیض در پرداختها از جمله عدم پرداخت حق جنگ مقابل ورودی کارخانه و فرمانداری شهرستان هفتکل در استان خوزستان تجمع کردند. به گزارش ایلنا، در حالی که مزایای مربوط به دوران یا شرایط جنگی برای سایر کارکنان و نیروهای پیمانکاری شرکت سیمان خوزستان واریز شده است، اما کارگران شاغل در بخشهای معدن و کلینکر همچنان از دریافت آن محروم مانده‌اند.

این کارگران با تأکید بر اینکه بخش معدن و کلینکر از سخت‌ترین و حساس‌ترین واحدهای تولیدی کارخانه به شمار می‌روند و بخش عمده بار تولید بر دوش کارگران این دو واحد است، خواستار رفع تبعیض‌های موجود در پرداخت‌ها شدند.

یکشنبه ۱۱ مرداد

*شماری از مرغداران مقابل ساختمان جهاد کشاورزی استان فارس در شیراز تجمع کردند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، این شهروندان خواستار رسیدگی به مطالبات خود شدند.

چهارشنبه ۱۴ مرداد

*شماری از متقاضیان کار منطقه بوبراحمد گرمسیر (لیشتر، دشت مور، خیرآباد و...) برای دومین بار در این ماه دست به تجمع مقابل پالایشگاه لیشتر و فرمانداری گچساران زدند و خواستار اشتغال جوانان بومی تأسیسات نفت و گاز منطقه منجمله در پالایشگاه لیشتر شدند. یکی از جوانان معترض منطقه به خبرنگار کبناپوز گفت: مردم منطقه بوبراحمد گرمسیر که همجوار تأسیسات نفت و گاز ساکن و زندگی می‌کنند، به جز گرمای طاقت‌فرسا، دود و آلودگی و امراض مختلف، بیکاری و... چیزی عایدشان نشده است، آیا این انصاف است که ما در کنار تأسیسات نفت و گاز و همچنین بر روی دریای نفت و گاز قرار گرفته باشیم؛ اما از اشتغال در این تأسیسات و مجتمع‌ها محروم باشیم.

شنبه ۱۷ مرداد

*شماری از رانندگان استیجاری دارای سابقه حضور در جنگ ایران و عراق، به همراه خانواده‌های خود مقابل نهاد ریاست جمهوری تجمع کردند. به گزارش ایلنا، معترضان که از طرح تبدیل وضعیت استخدامی جامانده‌اند، در اعتراض به ادامه بلاتکلیفی شغلی خود خواستار اجرای وعده‌های مطرح‌شده برای تعیین تکلیف پرونده‌هایشان شدند. خواست اصلی معترضان، تبدیل قراردادهای «شرکتی» به «قرارداد مستقیم» در چارچوب مقررات مربوط به تبدیل وضعیت افراد دارای سابقه حضور در جنگ ایران و عراق است. این گروه پیش از

این نیز برای پیگیری مطالبات خود مقابل نهاد ریاست‌جمهوری، سازمان اداری و استخدامی کشور و دیوان عدالت اداری تجمع کرده بودند.

*تعدادی از داروسازان تبریز مقابل اداره کل بیمه سلامت آذربایجان شرقی تجمع کردند. معترضان به تأخیر چندماهه در پرداخت مطالبات داروخانه‌ها اعتراض کرده و خواستار پرداخت فوری بخشی از مطالبات معوق و ارائه برنامه زمان‌بندی مشخص برای تسویه باقی‌مانده شدند.

*برای چندمین بار رانندگان استیجاری نهادهای مختلف کشور با همراهی خانواده‌های شان خود را به تهران رساندند و برای اعتراض به عدم تبدیل وضعیت و وعده توخالی رئیس دولت مقابل نهاد ریاست جمهوری تجمع کردند. به گزارش ایلنا، این رانندگان که هفته‌هاست برای پیگیری مطالبه تبدیل وضعیت استخدامی خود میان نهادهای مختلف در رفت و آمدند، گفتند: با وجود وعده صریح رئیس‌جمهور برای حل مشکل، هنوز هیچ اقدام نهایی برای تعیین تکلیف وضعیت استخدامی‌شان انجام نشده است.

*جمعی از کارگران اخراجی پروژه فاز دوم پالایشگاه گاز ایلام برای اعتراض به بلاتکلیفی شغلی و معیشتی و وعده‌های توخالی دست به تجمع مقابل ساختمان استانداری تجمع کردند. به گزارش ایلنا، این کارگران که تاکنون چندین بار تجمع اعتراضی مقابل شرکت و نهادهای مرتبط دولتی در استان ایلام انجام داده‌اند، گفتند: متأسفانه تا این لحظه هیچ پاسخی از سوی مسئولان و کارفرما به خواسته‌هایمان داده نشده است. به گفته یکی از معترضان، بعد از گذشت حدود پنج ماه هنوز مقرری بیمه بیکاری آنها برقرار نشده است. همچنین از وعده‌هایی که در اجتماعات قبلی برخی مسئولان برای پیگیری وضعیت شغلی داده شده هنوز خبری نیست.

*جمعی از کارکنان راه آهن برای اعتراض به تبعیض در پرداخت حقوق مقابل وزارت راه و شهرسازی در تهران تجمع کردند.

*جمعی از متقاضیان مسکن ملی شهر مهاجران نسبت به بلاتکلیفی مقابل ساختمان معاونت عمرانی استانداری مرکزی در اراک تجمع کردند.

*تعدادی از اهالی کپورستان واقع در شهرستان بندرخمیر، در اعتراض به واگذاری مراتع منطقه برای اجرای یک پروژه صنعتی استخراج و دانه‌بندی شن و ماسه رودخانه‌ای، مقابل



ساختمان فرمانداری این شهرستان تجمع کردند. به گزارش هرانا، محل فعالیت پروژه حدود ۶۰۰ متر با یکی از محلات فاصله دارد و اهالی نسبت به پیامدهای احتمالی آن بر محیط زیست، پوشش گیاهی، افزایش گردوغبار و سلامت ساکنان معترض هستند.

بقیه در صفحه ۱۶

جنبش رنگین کمان بیشماران

بقیه از صفحه ۱۵

به گفته معترضان، تاکنون پاسخ روشنی از سوی مسئولان درباره مطالبات و نگرانی‌های مطرح شده ارائه نشده است.

شنبه ۱۸ مرداد

*کارگران سهامدار ایران پوپلین رشت برای اعتراض به عملکرد سهامداران عمده و نامشخص بودن وضعیت سهام خود مقابل درب کارخانه تجمع کردند. معترضان که اکنون بازنشسته شده اند، به خبرنگار ایلنا گفتند: از سهامی که از سال ۱۳۶۷ به کارگران واگذار شده؛ هیچ سودی به آنها پرداخت نشده است و سهامدار عمده در خصوص گزارش سالانه و توزیع سود سهام شفاف عمل نمی‌کند.

*جمعی از خریداران خودروی لاماری ایما برای اعتراض به عدم تحویل خودروها مقابل بیداسرای عمومی تهران تجمع کردند و خواستار رسیدگی به شکایت‌های خود از شرکت آراین پارس موتور شدند. یکی از شرکت‌کنندگان در این تجمع گفت: ما در آبان سال گذشته برای خرید یک دستگاه خودروی لاماری ایما ثبت نام کردیم. در آن زمان قیمت خودرو حدود دو میلیارد و دویست میلیون تومان بود و ما نیمی از این مبلغ، یعنی یک میلیارد و صد میلیون تومان، را پرداخت کردیم. با گذشت زمان، اما ما به این نتیجه رسیدیم که مشکل فقط تأخیر در تحویل نیست و نگرانی ما این است که شرکت قصد دارد خودرو را با قیمت بالاتری عرضه کند. ما معتقدیم شرایط جنگی نباید موجب شود تعهداتی که موعود انجام آنها پیش از آغاز جنگ بوده، بدون تعیین تکلیف باقی بماند.

سه شنبه ۲۰ مرداد

*رانندگان تاکسیهای پرتون چابهار برای اعتراض به کدینگ کارتهای سوخت و برخورد توهین‌آمیز مسئولان مقابل سازمان تاکسیرانی، شرکت نفت، منطقه آزاد تجمع کردند. به گزارش شبکه اسناد حقوق بشر بلوچستان، رانندگان معترض می‌گویند کارت سوخت خودروهای آنها کدینگ شده و با وجود پیگیریهای متعدد، تاکنون مسیر مشخصی برای رفع این مشکل اعلام نشده است. آنها همچنین مدعی هستند رئیس ناحیه نفت چابهار در پاسخ به پیگیری‌های رانندگان با توهین با آنان برخورد کرده و مدیریت سازمان تاکسیرانی شهرداری چابهار نیز از ارائه نامه برای رفع کدینگ کارت‌های سوخت خودداری می‌کند.

*به گزارش خبر فارسی، اهالی روستای سربندان دماوند در استان تهران برای اعتراض به تردد ماشین‌آلات سنگین معدن منجمله لودرسلیس هویر (شرق زرین‌کوه) در مسیر کوهستانی و مراتع دست به تجمع در جاده و ایجاد سد معبر زدند و مانع ادامه فعالیت ماشین‌آلات سنگین شدند.

شنبه ۲۴ مرداد

*برای سومین روز، متقاضیان زمینهای «مارال پیشرو» در سیرجان، در اعتراض به بلاتکلیفی ۱۱ ساله خود، در شهرک صدف این شهر تجمع کردند. به گزارش تلگرام اعتراض مدنی بازار، این شهروندان خواستار پاسخگویی مسئولان و تعیین تکلیف وضعیت زمینها و سرمایه‌های پرداخت‌شده خود شدند.

*خانواده‌های شماری از بیماران مبتلا به فیروز کیستیک مقابل وزارت بهداشت دست به تجمع زدند. به گزارش هرانا، معترضان با اشاره به هزینه‌های سنگین درمان و دشواری دسترسی به داروهای مورد نیاز، نسبت به گرانی و کمبود دارو اعتراض کرده و خواستار رسیدگی مسئولان به مشکلات بیماران و خانواده‌های آنان شدند.

فیروز کیستیک یک بیماری مزمن است که مبتلایان به آن به مراقبتهای مستمر پزشکی و مصرف منظم دارو نیاز دارند و افزایش هزینه‌ها یا اختلال در دسترسی به دارو می‌تواند روند درمان این بیماران را با مشکلات جدی مواجه کند.

*جمعی از کارگران شهرداری بندر ماهشهر، پیرامون مطالبات مزدی معوق و مشکلات معیشتی، مقابل ساختمان فرمانداری این شهرستان تجمع کردند. به گزارش ایلنا، این کارگران با اشاره به افزایش هزینه‌های زندگی و فشارهای معیشتی، تأخیر در پرداخت دستمزدها را از جمله مشکلات اصلی خود عنوان کرده و خواستار رسیدگی مسئولان به وضعیت پرداخت مطالبات مزدی شدند.

*تجمع جوانان متقاضی کار مقابل شرکت کشت و صنعت کارون واقع در شوشتر، کیلومتر ۱۷ جاده دزفول. به گزارش عَلم جنوب، این تجمع بعد از آن رخ داد که در روزهای گذشته فرمهای استخدامی توزیع و به برخی افراد داده و اعلام شد با پر کردن این فرمها می‌توانند در شرکت کارون استخدام گردند. پس از آن جمعی از جوانان جوابی کار که از این اقدام عصبانی شده، طی فراخوانهایی در فضای مجازی، این تجمع را شکل دادند و به این تبعیضها اعتراض کرده و خواستار استخدام گسترده شدند.

یکشنبه ۲۵ مرداد

*تجمع اعتراضی اهالی روستای کمره علیا در اعتراض بی آبی شرب مقابل اداره آب و فاضلاب شهرستان اسلام‌آبادغرب در استان کرمانشاه. به گزارش هموطن، معترضان با سر دادن شعار «آب آشامیدنی، حق مسلم ماست»، خواستار تأمین فوری و پایدار آب شرب بهداشتی و پایان دادن به قطعی‌های مستمر آب در روستا شدند.

*شماری از کارگران اخراج شده شرکت فولاد شادگان دست به تجمع مقابل این شرکت زدند و خواستار رسیدگی به مطالبات خود شدند. به گزارش هرانا، آنها می‌گویند با وجود سابقه ۳ تا ۱۵ سال کاری، ۱۰۰ کارگر بومی فولاد شادگان به طور ناگهانی از کار اخراج شده و نیروهای غیر بومی به جای آنها استخدام شده‌اند. این کارگران خواستار تعیین تکلیف وضعیت شغلی خود، بازگشت به کار و احترام به حقوق خود هستند.

سه شنبه ۲۷ مرداد

*جمعی از متقاضیان زمینهای تعاونی شهید مدنی تبریز، در اعتراض به بلاتکلیفی طولانی‌مدت این پرونده مقابل استانداری آذربایجان شرقی دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش هرانا، معترضان می‌گویند با گذشت ۲۳ سال، وضعیت زمینهای آنان همچنان تعیین تکلیف نشده و خواستار رسیدگی مسئولان و مشخص شدن تکلیف حقوق و سرمایه‌های خود هستند.

چهارشنبه ۲۸ مرداد

*جمعی از کارگران پیمانکاری معدن شماره سه گهرزمین سیرجان (شرکت پیمانکاری محور گستر نصر) در فرمانداری این شهرستان در استان کرمان تجمع کردند. به گزارش ایلنا، معترضان به خبرنگار ایلنا گفتند: ۱۱۵ کارگرمعدن شماره سه

گهرزمین در سیرجان، تحت مسئولیت شرکت پیمانکاری محور گستر نصر هستیم که بعد از ۱۱ سال سابقه کار، اخیراً به ما اعلام شده تا پایان ماه همزمان با اتمام پروژه، یا باید به پروژه‌های جدید در مرز مهران در ایلام یا جاسک منتقل شویم یا اینکه با ما تسویه حساب می‌کنند.

این کارگران که همگی بومی منطقه سیرجان هستند و هر ساله قرار داد آنها با پیمانکار تنظیم می‌شده؛ افزودند: اول مرداد قرارداد یک ساله کارگران به یکباره یک ماهه شد و تا پایان این قرارداد به ما مهلت داده شده، بین ماندن و رفتن تصمیم گیری کنیم.

*اعتصاب پنج روزه شماری از کارگران شهرداری بندر ماهشهر، در اعتراض به مطالبات مزدی معوق و مشکلات معیشتی به طور موقت پایان یافت. به گزارش ایلنا، این کارگران با اشاره به افزایش هزینه‌های زندگی و فشارهای معیشتی، تأخیر در پرداخت دستمزدها را از جمله مشکلات اصلی خود عنوان کرده و خواستار رسیدگی مسئولان به وضعیت پرداخت مطالبات مزدی شدند. به گفته کارگران معترض؛ علاوه بر تأخیر در پرداخت دستمزدها، مطالبات دیگری از جمله اضافه‌کاری، مابه‌التفاوت حقوق ماه‌های فروردین و اردیبهشت و برخی مزایای رفاهی و مناسبتی آنها نیز تاکنون پرداخت نشده است.

شنبه ۳۱ مرداد

*به گزارش خودرو دلی، تعدادی از حواله‌داران شرکت پارس خودرو مقابل دفتر این شرکت تجمع برگزار کردند. این تجمع در اعتراض به عدم تحویل خودرو به این شهروندان صورت گرفت.

جنبش سراسری بازنشستگان

به گزارش ایلنا، بازنشستگان تامین اجتماعی خواستار اجرای صحیح متناسب‌سازی، افزایش مزایا، برقراری مزایای بازماندگان، پرداخت معوقات دو ماه نخست سال جاری، اجرای ماده ۵۴ درباره درمان رایگان، حذف بیمه تکمیلی، اجرای ماده ۸۹ و اجرای عادلانه ماده ۶۹ برای همه بازنشستگان و شاغلان سازمان تامین اجتماعی هستند.

به گزارش ایلنا، بازنشستگان مخابرات خواهان پرداخت معوقات، اجرای کامل آیین‌نامه‌ها، به خصوص آیین‌نامه موسوم به ۸۹/۲۴ مصوب سال ۱۳۸۹ و همچنین ساماندهی مشکلات مربوط به بیمه تکمیلی خود هستند.



یکشنبه ۴ مرداد: تجمع بازنشستگان تامین اجتماعی در شهرهای تهران، اهواز، کرمانشاه، رشت و شوش/ تجمع بازنشستگان فولاد اصفهان

دوشنبه ۵ مرداد: تجمع بازنشستگان مخابرات در شهرهای تهران، کرمانشاه، اصفهان، تبریز، سنج، همدان و بیجار
شنبه ۱۰ مرداد: تجمع کارگران بازنشسته شرکت پارس‌خودرو مقابل ساختمان مرکزی شرکت واقع در کیلوتر ۱۱ بزرگراه لشگری تهران (جاده مخصوص کرج).

بقیه در صفحه ۱۷

جنبش رنگین کمان بیشماران

بقیه از صفحه ۱۶

دوشنبه ۵ مرداد: کارکنان شرکت نفت و گاز پارس، در بخشهای مختلف و سکوهای دریایی این شرکت واقع در منطقه پارس جنوبی و عسلویه، دست به تجمعات اعتراضی زدند. به گزارش افکار نفت، معترضان خواستار اصلاح نظام حقوق و دستمزد کارکنان عملیاتی، حذف سقف حقوق و پرداخت کامل دستمزد، اصلاح کف حقوق، عدم ادغام صندوق بازنشستگی نفت با سایر صندوق های بازنشستگی، حذف کامل سقف بازنشستگی و پرداخت کامل سنوات کارگران، عدم تفکیک مشاغل به تخصصی و پشتیبانی و نیز خواهان رسیدگی به دیگر مطالبات خود هستند.

چهارشنبه ۷ مرداد: کارگران شرکت نفت و گاز پارس دست به تجمع زدند. این کارکنان به صورت رسمی در حوزه عملیاتی پارس یک (عسلویه) و سکوهای دریایی نفت و گاز پارس مشغول به کار هستند. به گزارش ایلنا، حذف سقف حقوق در تمامی بخشهای عملیاتی نفت، عدم تفکیک مشاغل به تخصصی و پشتیبانی، اعمال و اثر بخشی آیت تمیم حقوق به کلیه مؤلفه های پرداخت، حذف کامل سقف بازنشستگی و پرداخت کامل سنوات کارگران، عدم ادغام صندوق بازنشستگی نفت با سایر صندوق های بازنشستگی، اصلاح کف حقوق برای کارگران جدیدالاستخدام، مرجوع نمودن مالیاتهای کسر شده اضافی در سال های اخیر طبق قوانین موجود و اجرای کامل ماده ۱۰ قانون نفت، از جمله مطالبات این افراد عنوان شده است.

دوشنبه ۱۲ مرداد: تجمع کارگران شرکت نفت و گاز پارس عسلویه در سایت ۱ و دستکم ۱۰ سکو دریایی. تجمع این کارگران در شماری از سکوهای دریایی این شرکت، از جمله SPD16، SPD13A، SPD17A، SPD8، SPD13C، SPD5، SPD7، SPD14C، SPD20، SPD14B صورت گرفته است. تجمع کارگران اخراجی پتروشیمی سلمان فارسی ماهشهر مقابل محل کار، فرمانداری ماهشهر و استانداری خوزستان در اهواز.

شنبه ۱۷ مرداد: شماری از کارگران اخراجی پتروشیمی جم عسلویه دست به تجمع اعتراضی زده و خواستار بازگشت به کار خود شدند. به گزارش ایلنا، از ابتدای سال جاری دست کم ۲۰۰ نفر از کارگران یکی از شرکتهای پیمانکاری مستقر در بخش رستوران و آشپزخانه پتروشیمی جم به نام «مائه طبخ» با اتمام قرارداد پیمانکار بیکار شدند.

دوشنبه ۱۹ مرداد: کارکنان شرکت نفت و گاز پارس در کنگان، عسلویه و هفت سکوی دریایی این شرکت تجمع اعتراضی برگزار کردند.

شنبه ۲۴ مرداد: جمعی از کارگران پتروشیمی سلمان فارسی، با تجمع مقابل دفتر مجلس نشین ماهشهر، خواستار تعیین تکلیف وضعیت شغلی و بازگشت به کار خود شدند.

دوشنبه ۲۶ مرداد: کارکنان شرکت نفت و گاز پارس در دستکم ۱۲ بخش مختلف و سکوهای دریایی این شرکت واقع در منطقه پارس جنوبی و عسلویه، دست به تجمع اعتراضی زدند.

دوشنبه ۲۶ مرداد: بیستمین روز اعتصاب و تجمع کارگران واحد نگهداری و تعمیرات پتروشیمی کارون. معترضان مقابل درب ورودی شماره یک این کارخانه واقع در منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی بندر امام در استان خوزستان و اداره کار منطقه ویژه... تجمع کردند.

چهارشنبه ۲۸ مرداد: تجمع اعتراضی کارگران اخراجی پتروشیمی امیرکبیر در اعتراض به بالاترین شغلی و معیشتی مقابل مجتمع.



یکشنبه ۱۱ مرداد: تجمع بازنشستگان تامین اجتماعی در تهران، اهواز، رشت، دزفول و شوش / تجمع بازنشستگان مخابرات در شهرهای تهران، مشهد، یاسوج، اردبیل، تبریز، اهواز، دزفول و کرمانشاه.

از جمله شعارهای بازنشستگان: «جنگ افروزی کافیه سفره ما خالیه/ نه به جنگ نه نه نه/ کارگر زندانی معلم زندانی معترض زندانی آزاد باید گردد».

دوشنبه ۱۲ مرداد: تجمع بازنشستگان مخابرات در اصفهان، همدان و بیجار. معترضان مخابرات شعار می دادند: «مخابرات و ماساختیم سپاه برده ما باختمیم/ سهامدار عمده [سپاه] ننگت باد ننگت باد/ «ستاد فرمان امام مخابرات و برده/ ستاد فرمان امام حق ماهارو خورده/ اعتماد، مبین، سپاه حق ماهارو خورده».



شنبه ۱۷ مرداد: تجمع بازنشستگان و مستمری بگیران صندوق بازنشستگی فولاد اصفهان و مخابرات مقابل ساختمان استانداری این استان. بازنشستگان، مستمری بگیران و افراد دارای سابقه حضور در جنگ ایران و عراق و هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران (هما) مقابل ساختمان مرکزی این شرکت در تهران تجمع کردند.

یکشنبه ۱۸ مرداد: تجمع کارگران بازنشسته تامین اجتماعی در شهرهای اراک، اهواز، رشت، کرمانشاه، دزفول، شوش و تهران / تجمع بازنشستگان سهامدار کارخانه ایران پولین رشت مقابل درب ورودی این واحد صنعتی.

دوشنبه ۱۹ مرداد: تجمع کارگران بازنشسته مخابرات کشور در شهرهای بیجار، اراک، اهواز، اصفهان، کرمانشاه، سنندج، اردبیل، مشهد، تبریز، کاشمر، همدان، رشت و تهران.

شنبه ۲۴ مرداد: تجمع بازنشستگان معدن زغال سنگ البرز مرکزی مقابل اداره صندوق بازنشستگی فولاد در شهر زیراب.

یکشنبه ۲۵ مرداد: تجمع بازنشستگان تامین اجتماعی در تهران، شوش، رشت و اهواز. **دوشنبه ۲۶ مرداد:** تجمع بازنشستگان مخابرات در شهرهای سنندج، کرمانشاه، اصفهان و همدان صورت گرفته است.

سه شنبه ۲۷ مرداد: هفتمین روز متوالی راهپیمایی و تجمع کارگران بازنشسته صنعت فولاد اصفهان مقابل ساختمان استانداری با حضور جمعی از بازنشستگان فولاد مبارکه.

حرکتهای اعتراضی کارگران صنایع نفت و گاز و پتروشیمی



چالشهای معلمان (مرداد ۱۴۰۵)

فرنگیس بایقره

کانون صنفی معلمان استان بوشهر نیز با انتشار بیانیه‌ای، نسبت به وضعیت جسمانی این فعال صنفی ابراز نگرانی کرده و خواستار اعزام وی به خارج از زندان و فراهم شدن امکان دسترسی او به خدمات درمانی و رسیدگی پزشکی مناسب شده است.

رضا امانی فر، روز شنبه ۱۵ فروردین‌ماه سال جاری توسط نیروهای امنیتی در بوشهر بازداشت شد. تاکنون از دلایل بازداشت و اتهامات مطروحه علیه این فعال صنفی معلمان اطلاعی حاصل نشده است. وی بازرس شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران و عضو کانون صنفی معلمان بوشهر بیشتر نیز به واسطه فعالیت‌های خود سابقه برخورداری قضایی را داشته است.

اخراج معلم زندانی، جواد لعل‌محمدی از آموزش و پرورش

هیأت بدوی رسیدگی به تخلفات اداری کارکنان آموزش و پرورش خراسان رضوی، حکم اخراج جواد لعل‌محمدی، معلم و فعال صنفی محبوس در زندان وکیل‌آباد مشهد، از آموزش و پرورش را صادر کرد. در متن رای مذکور، سوابق فعالیت‌های صنفی وی، از جمله حضور در تجمعات فرهنگیان و اعتراضات، از جمله مستندات صدور حکم عنوان شده است. جواد لعل‌محمدی، فرزند علی، فعال مدنی حدوداً ۵۸ ساله و محبوس در زندان وکیل‌آباد مشهد با چندین پرونده قضایی مواجه است. آخرین پرونده آقای لعل‌محمدی با شکایت بیدادستانی مشهد علیه وی تشکیل شده است. وی در این رابطه مورخ ۱۰ آبان ماه سال گذشته از زندان وکیل‌آباد مشهد به شعبه ۹۰۱ بازپرسی بیدادسرای عمومی و انقلاب مشهد منتقل شد تا مورد تفهیم اتهام قرار گیرد. در این جلسه آقای لعل‌محمدی از بابت توهین به رهبری تفهیم اتهام شد. در پایان جلسه، بین متهم و مقام قضایی تنش رخ داد و اتهام اتلاف اموال دولتی نیز به پرونده وی افزوده شد.

جواد لعل‌محمدی، از امضاکنندگان بیانیه درخواست استعفا ولی فقیه پیشین، در ۲۱ مهر ۱۴۰۰ بازداشت و پس از مدتی بازجویی در بازداشتگاه اداره اطلاعات مشهد به زندان وکیل‌آباد منتقل شد.

آزاده سالکی جهت اجرای حکم حبس احضار شد

آزاده سالکی، معلم شاغل در خواف و از بازداشت‌شدگان اعتراضات دی ماه ۱۴۰۴ با دریافت ابلاغیه‌ای برای اجرای حکم حبس خود، به شعبه اول اجرای احکام کیفری دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان خواف، احضار شده است.

بر اساس احضاریه‌ای که توسط شعبه اول اجرای احکام کیفری دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان خواف صادر و به این معلم ابلاغ شده است، از وی خواسته شده ظرف مدت ۱۰ روز جهت اجرای حکم حبس، در این شعبه حاضر شود. در گزارش مذکور آمده است که خانم سالکی با توجه به شرایط زندگی و ابتلا به بیماری قلبی، درخواست کرده بود دوران محکومیت خود را با استفاده از پابند الکترونیکی و خارج از زندان سپری کند؛ با این حال، این درخواست مورد موافقت قرار نگرفته است.

بقیه در صفحه ۱۹

بیانیه کانون صنفی معلمان ایران در مخالفت با مجازات اعدام

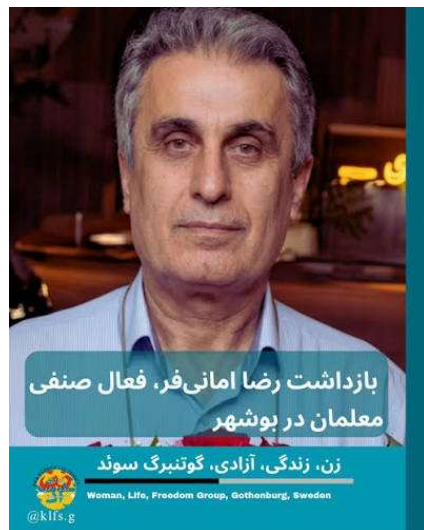
در هفته‌های اخیر شاهد اوج‌گیری مجدد صدور و اجرای احکام اعدام با عنوانهای مختلف بوده‌ایم. حضور اعتراضی خانواده‌های زندانیان و شهروندان در برخی نقاط با شعار «نه به اعدام»، نشانه‌هایی روشن از گسترش مخالفت اجتماعی در برابر سیاست مرگ و سرکوب است. این حضور اعتراضی و موج تنفیری که نسبت به این احکام در جامعه مشاهده می‌شود نه تنها واکنش به اعدام و خطر اعدام‌های بیشتر زندانیان است، بلکه بیانگر شکاف عمیق میان باور جامعه و حاکمان و نشانه‌ای از شکل‌گیری هسته‌های اولیه همبستگی گسترده‌ای است که صرف نظر از نوع اتهامات و باورپذیر بودن اصل اتهامات وارد، در برابر خشونت سازمان‌یافته، درحال شکل‌گیری است...

...امروزه مخالفت با اعدام، صدای مشترک زندانیان، خانواده‌های دادخواه، دانشجویان، زنان، جوانان، معلمان، کارگران، پرستاران، بازنشستگان و همه نیروهای آزادیخواهی است که برای کرامت انسانی، آزادی و عدالت اجتماعی مبارزه می‌کنند.

کانون صنفی معلمان ایران براساس رسالت معلمی خود بر این باور است که مبارزه برای لغو مجازات اعدام، بخشی جدایی‌ناپذیر از مبارزه برای کاهش خشونت و تأکید بر وجهه رحمانی دین، استقلال دستگاه قضایی، آزادی‌های مدنی، برابری، عدالت اجتماعی و صلح پایدار است. دفاع از حق حیات، دفاع از کرامت انسان و دفاع از آینده‌ای است که در آن عدالت نه با مرگ، بلکه با حقیقت، مسئولیت‌پذیری، آزادی و برابری معنا می‌یابد.

کانون صنفی معلمان ایران (تهران) / پنجشنبه ۱۵ مرداد ۱۴۰۵ - ۶ اوت ۲۰۲۶

تداوم بازداشت رضا امانی فر، فعال صنفی معلمان



رضا (عبدالرضا) امانی فر، فعال صنفی معلمان بوشهر، ۱۱۳ روز است که به صورت بلا تکلیف در بازداشت به سر می‌برد. وی با وجود ابتلا به بیماری کلیوی، از دسترسی به خدمات درمانی و رسیدگی پزشکی مناسب محروم مانده است.

*شیوع مواد مخدر ناس در میان دانش آموزان ابتدایی در شهرستان کاشمر.

مردم سالاری، چهارشنبه ۱۴ مرداد ۱۴۰۵

*یک معلم بدهکار که به زندان افتاده بود با پولی که شاگردانش جمع کردند از زندان آزاد شد.

آزادی معلم زندانی با گلریزان دانش آموزان
همشهری، چهارشنبه ۲۸ مرداد ۱۴۰۵

دستکم ۶۰ معلم پس از قیام دی ماه بازداشت یا محکوم شده‌اند



کمپین حقوق بشر ایران با انتشار گزارشی از تشدید سرکوب معلمان و فعالان صنفی فرهنگی پس از اعتراضات دی‌ماه ۱۴۰۴ خبر داد و اعلام کرد که تا ششم مرداد ۱۴۰۵ دستکم ۶۰ معلم و فعال صنفی بازداشت، زندانی یا محکوم شده‌اند. این نهاد تأکید کرده است که شمار واقعی بازداشت‌شدگان احتمالاً بسیار بیشتر از آمار مستندشده است؛ زیرا بسیاری از پرونده‌ها، به ویژه در شهرهای کوچک، هرگز رسانه‌ای نشده و قطعاً ۸۸ روزه اینترنت نیز روند مستندسازی را با دشواری روبه‌رو کرده است.

کمپین حقوق بشر ایران در این گزارش از یونسکو، سازمان بین‌المللی کار، نهاد «آموزش بین‌الملل»، گزارشگران ویژه سازمان ملل و دولتهای متعهد به حقوق بشر خواسته است سرکوب معلمان در ایران را به‌طور علنی محکوم کنند، پرونده معلمان زندانی را به‌طور مستمر پیگیری کرده و با استفاده از سازوکارهای بین‌المللی، مقامهای مسئول را پاسخگو بدانند. این نهاد همچنین خواستار اعمال تحریمهای هدفمند علیه مسئولان دخیل در بازداشت‌های خودسرانه، شکنجه، محرومیت از درمان و پیگردهای سیاسی معلمان شده است.

بر اساس این گزارش، در میان معلمان بازداشت‌شده یا محکوم‌شده نام افرادی چون فاطمه زارعی، جلیل شیردل، اسماعیل خدایاری، کیومرث واعظی، حمید رحمتی، ابوالفضل رحیمی‌شاد، آرمان شاپوری، عبدالرضا قندهاری، آرش نیکخوا، کوکب بدایغی پگاه، محسن خدایی، رضا طاهری، علی شمایل، مستوره نریمانی، امیر رحیمی، آمنه بیرقداری، حسین رمضان‌پور، عزیز اسماعیلی، عزت‌الله صادقی، علی احمدی، بختیار رضوانی، مجتبی ابروی، زهرا عارفی‌مهر، یوسف امینی، هادی جلالی، محمدرضا علیجانی، آریا نورانی، احمد علیزاده، جان محمد احمدی، آزاده سالکی، رضا مسلمی و صباح ولدبیکگی دیده می‌شود.

چالشهای معلمان

بقیه از صفحه ۱۸

همچنین اتهاماتی از جمله «فعالیت تبلیغی علیه نظام»، «توهین به مسئولان» و «تشویق به تجمعات» در متن رأی به عنوان مبنای تصمیم این هیأت ذکر شده است. در این رأی به سابقه یک محکومیت اداری پیشین شامل انفصال موقت از خدمت نیز اشاره شده است. خدیجه مبارکی دیل، سال گذشته، توسط هیأت تخلفات اداره کل آموزش و پرورش استان کهگیلویه و بویراحمد به چهار ماه انفصال از خدمت محکوم شده بود. این حکم نهایتاً، توسط هیأت تجدیدنظر رسیدگی به تخلفات اداری کارکنان این استان، به دو ماه انفصال موقت از خدمت تغییر کرد.

اعتراض گروه کوهنوردی «چل چه مه» به اخراج دو فعال صنفی معلمان



گروه فرهنگی- کوهنوردی «چل چه مه» با صدور بیانیه‌ای به اخراج مجدد مجید کریمی و غیاث نعمتی از آموزش و پرورش اعتراض کرد و خواهان تجدیدنظر منصفانه در احکام صادره شد.

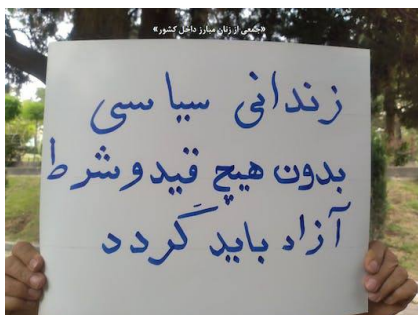
متن این بیانیه:

حق اشتغال و برخورداری از حقوق قانونی از حقوق اساسی هر انسان است و سلب آن بدون رعایت کامل موازین قانونی و حق دفاع و شفافیت در روند رسیدگی نمی‌تواند قابل توجیه باشد. اخراج مجدد مجید کریمی و غیاث نعمتی از آموزش و پرورش آن هم پس از آنکه آرای پیشین آنان توسط هیئت عالی نظارت نقض شده تأمل برانگیز و موجب نگرانی جدی است. هنگامی که آرای پیشین به دلیل وجود ایرادات قانونی نقض و پرونده‌ها برای رسیدگی مجدد ارجاع می‌شوند انتظار طبیعی و منطقی این است که رسیدگی جدید با استقلال بی‌طرفی رعایت حق دفاع و بررسی دقیق ادله و جمع‌آوری مستندات انجام گیرد. نه اینکه تصمیم جدید صرفاً بر مبنای محاکمات و برداشت‌ها و سندهای پیشین اتخاذ شود.

«دفاع از حقوق صنفی جرم نیست.»

ما اعضای گروه کوهنوردی فرهنگی چل چه مه خواهان روشن شدن مبنای حقوقی احکام صادرشده، فراهم شدن امکان دفاع مؤثر برای مجید کریمی و غیاث نعمتی و بررسی مجدد و منصفانه پرونده‌ها توسط مرجعی مستقل و بی‌طرف هستیم. اعتراض به یک حکم، به معنای نفی قانون نیست بلکه دفاع از حق انسان‌ها برای برخورداری از دادرسی عادلانه و حق دفاع و رعایت حقوق قانونی است.

ما بر این باوریم که حفظ کرامت انسانی و رعایت انصاف باید در تمامی مراحل رسیدگی مورد توجه قرار گیرد.



(منابع استفاده شده برای تهیه این مجموعه: شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، هرانا، رادیو زمانه)



این معلم در مرحله بدوی به ۱۰ سال حبس محکوم شد و سپس توسط دادگاه تجدیدنظر استان خراسان رضوی به پنج سال حبس محکوم شده است. در نهایت میزان محکومیت وی به یک سال حبس کاهش یافت. وی در سال ۱۴۰۱ نیز به دلیل اظهارات و فعالیت‌های خود یک ماه از کار تعلیق و سپس از شهرستان تربت حیدریه به خوف منتقل شده بود.

علی ایمانی مطلق، معلم از آموزش و پرورش اخراج شد



علی ایمانی مطلق، معلم شاغل در استان لرستان، با حکم هیأت بدوی رسیدگی به تخلفات اداری کارکنان آموزش و پرورش این استان از کار اخراج شد. این حکم با استناد به اتهاماتی از جمله «اقدام علیه امنیت ملی»، «فعالیت تبلیغی علیه نظام» و «دعوت به تجمعات از طریق فضای مجازی» علیه این معلم صادر شده است.

همچنین در پرونده قضایی او، قرار نظارت قضایی صادر شده که بر اساس آن، آقای ایمانی مطلق از اشتغال به فعالیت‌های مرتبط با اتهامات مطرح‌شده در پرونده منع شده است. علی ایمانی مطلق، معلم آموزش و پرورش استان لرستان، در ارتباط با اعتراضات سراسری دی ماه ۱۴۰۴ بازداشت شده بود.

خدیجه مبارکی دیل، معلم، به بازنشستگی اجباری محکوم شد



خدیجه مبارکی دیل، معلم شاغل در استان کهگیلویه و بویراحمد، با رأی هیأت بدوی رسیدگی به تخلفات اداری کارکنان آموزش و پرورش این استان، به بازنشستگی اجباری محکوم شد. در رأی صادره، انتشار مطالب و استوری‌هایی در حمایت از بازداشت شدگان اعتراضات دی‌ماه، انتشار بیانیه جمعی معلمان و مطالب مرتبط با دعوت به تجمعات از جمله مستندات پرونده عنوان شده است.

رویدادهای هنری ماه (شهریور ۱۴۰۵)

سرکوب علیه مقاومت

یلدا معیری به ۱۵ سال زندان محکوم شد



یلدا معیری، عکاس خبری شناخته شده، که بخش مهمی از فعالیت حرفه‌ای خود را به ثبت اعتراضات و زندگی زنان در ایران اختصاص داده است، به اتهام‌هایی مرتبط با انتشار تصاویر و گفتگو با رسانه‌های خارجی، به ۱۵ سال زندان محکوم شده است. این حکم روز شنبه ۱۷ مرداد، همزمان با روز خبرنگار در ایران به او ابلاغ شد.

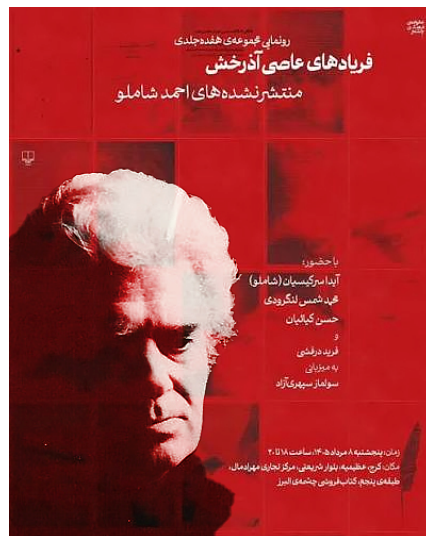
از جمله اتهامات او «مصاحبه با شبکه‌های معاند نظام» و ارسال عکس برای نهادهایی در آمریکا و اسرائیل است که در پرونده «متخاصم» توصیف شده‌اند. معیری در جریان عملیات ۴۰ روزه آمریکا و اسرائیل علیه جمهوری اسلامی، از پیامدهای حملات در تهران عکاسی کرده بود. او گفته است شماری از تصاویر خسارات ناشی از حملات هوایی را در اختیار شبکه «سی‌ان‌ان» قرار داده و در مارس ۲۰۲۶ نیز درباره فعالیت حرفه‌ای خود با این شبکه گفتگو کرده است.

معیری پیش از این نیز به دلیل فعالیت‌های خبری زندانی شده بود. او دو سال را در زندان چرچ گذراند؛ زندانی که پیش‌تر از آن عکاسی کرده بود. در سال ۱۴۰۱ نیز هنگام پوشش اعتراضات سراسری «زن، زندگی، آزادی» سه ماه زندانی و به هشت سال حبس محکوم شد. این مجازات بعداً با عفو کاهش یافت.

معیری با وجود حکم تازه گفته است مجازات‌های پیشین هرگز باعث نشدند از کار خود دست بکشد و همچنان به ثبت واقعیت‌های جامعه ایران ادامه می‌دهد. او به رویتز گفت: «چیزی برای از دست دادن ندارم. رژیم همه چیز را از من گرفت. تنها چیزی که هنوز دارم حقیقت و صداقت به عنوان یک ناظر است.»

جلوگیری از برگزاری مراسم بزرگداشت صمدین سالگرد تولد احمد شاملو

بنا بر گزارش‌ها مراسمی که قرار بود روز پنجشنبه ۸ مردادماه، همزمان با صمدین سالروز تولد احمد شاملو و با هدف رونمایی از مجموعه‌ای شامل آثار تاکنون منتشر نشده او برگزار شود، به دستور مقام‌های امنیتی جمهوری اسلامی لغو شد. این مراسم قرار بود در کتابفروشی «چشمه البرز» کرج برگزار شود. در مراسم یادشده قرار بود از مجموعه ۱۷ جلدی «فریادهای عاصی آذرخش» رونمایی شود. «نشر چشمه» به‌تازگی و به مناسبت گذشت یک قرن از تولد شاملو، این مجموعه ۱۷ جلدی را زیر نظر همسر این شاعر، آیدا سرکیسیان، و با همکاری فرید درفش و سولماز سپهری‌آزاد منتشر کرده که

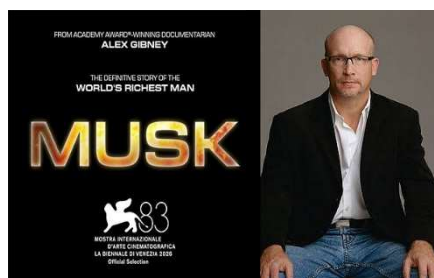


شامل برخی آثار منتشرنشده احمد شاملو و اغلب آثار پراکنده او در مطبوعات روزهای دور است.

این مجموعه حاصل سالها جستجو، گردآوری و بررسی آرشیوهای مطبوعاتی و اسناد شخصی شاملو است و از شعر و طرح‌های شعر گرفته تا داستان، ترجمه، نامه‌ها، گفتارهای متن، سخنرانی‌ها، گفتگوها، یادداشت‌های ادبی و اجتماعی و نوشته‌هایی که بخش مهمی از فعالیت‌های فرهنگی او را در بیش از نیم‌قرن را رقم زده‌اند، شامل می‌شود.

سینما

قدرت، جاه‌طلبی و تناقض؛ ماسک بر پرده سینما



«الکس گیبنی» Alex Gibney، یکی از مشهورترین مستندسازان تحقیقی آمریکا، به سراغ «ایلان ماسک» رفته است. مستند جدید او با عنوان «ماسک» Musk، یکی از بلندپروازانه‌ترین پروژه‌های اوست؛ فیلمی نزدیک به ۴ ساعت (۳۳۲ دقیقه) که به گفته جشنواره‌ها یک «بررسی جامع، بی‌پرده و بدون آرایش» از ایلان ماسک ارائه می‌دهد.

سوژه‌های او به‌طور معمولاً چهره‌های قدرتمند و بحث‌برانگیز هستند که با رویکردی افشاگرانه، «نسخه‌های صیقل نخورده»‌ای از آنها ارائه می‌کند. او پیش‌تر مستندهایی درباره شرکت «انرون» Enron، «ویکی‌لیکس»، «استیو جابز» و «الیزابت هولمز» ساخته است.

گیبنی از سال ۲۰۲۳ روی پروژه کار می‌کرد که در سال ۲۰۲۵ آماده شد، اما به دلیل تحولات سیاسی و اقتصادی مرتبط با ماسک و از جمله حمایت از ترامپ، ایفای نقش در دولت و عرضه سهام «اسپس ایکس» SpaceX دوباره تدوین شد.

فیلم بر قدرت سیاسی و اقتصادی ماسک، تناقضهای شخصیتی و تاثیر گسترده او بر فناوری، سیاست و فرهنگ عمومی تمرکز کرده است.

ماسک از ابتدا این فیلم را «هیت‌پیس» (مستند تخریبی) خوانده و چند بار در X (تویتر سابق) به گیبنی حمله کرده است، حتی پیش از آن که فیلم را دیده باشد گیبنی نیز با طعنه پاسخ داد: «از کجا می‌دانی؟»

مدیر هنری ونیز، «آلبرتو باربرا»، در دفاع از این فیلم ماسک را «نابغه کارآفرین سرمایه‌داری، اما تکنوکراتی خطرناک بدون ملاحظات اخلاقی» توصیف کرده است.

«تام پاورز»، مدیر بخش مستند جشنواره تورنتو، نیز ماسک را شخصیتی با قدرت شروانه بر زندگی میلیون‌ها نفر توصیف کرده و بر لزوم موشکافی رسانه‌ای چنین قدرتی تاکید کرده است.

گنجینه‌های ملی

دادگاه حراج «قدیمی‌ترین» ماشین حساب جهان را متوقف کرد



برنامه حراج یکی از نخستین ماشین حسابهای جهان با جک دادگاهی در پاریس لغو شد. این دادگاه خروج این شیء تاریخی از فرانسه را به طور موقت ممنوع کرد.

خانه حراج «کریستی» تایید کرد که مزایده برای ماشین حساب موسوم به «لا پاسکالین» را ادامه نخواهد داد. این ماشین حساب توسط «بلز پاسکال»، ریاضی‌دان فرانسوی، در سال ۱۶۴۲ میلادی اختراع و ساخته شد. پیش‌بینی می‌شد که این دستگاه دو تا سه میلیون یورو به فروش برسد و خانه حراج «کریستی» آن را «مهمترین ابزار علمی که به حراج گذاشته‌شده» خوانده بود.

محققان و پژوهشگران از دادگاه خواسته بودند که برای حفاظت از این ماشین حساب به عنوان یک میراث تاریخی اقدام کند و خواستار ثبت آن به عنوان «گنجینه ملی» شده بودند.

دادگاه گفت که ارزش تاریخی و علمی این ماشین حساب می‌تواند به عنوان یک «گنجینه ملی» واجد شرایط تلقی شود و رای داد که حفاظت از آن تحت قانون میراث فرانسه تضمین شود.

ماشین حساب «لا پاسکالین» در طول سال جاری میلادی در نیویورک و هنگ کنگ به نمایش گذاشته شده بود.

رویدادهای هنری ماه

بقیه از صفحه ۲۰

ثبت قلعه الموت در فهرست میراث جهانی یونسکو



در جریان چهل و هشتمین اجلاس کمیته میراث جهانی یونسکو که در «بوسان» کره جنوبی برگزار شد، با ثبت نام «قلعه الموت و استحکامات وابسته» در فهرست میراث جهانی موافقت شد.

پرونده ثبت شده، یک اثر زنجیره‌ای شامل قلعه الموت و شش استحکام وابسته، یعنی دژ لمسر، نويزرشاه، شمس کلايه، قسطنین‌لار، شیرکوه و ایلان است که در دره‌های الموت شرقی و غربی و دامنه‌های جنوبی رشته کوه البرز در استان قزوین قرار دارند. این سازه‌ها در سده‌های یازدهم تا سیزدهم میلادی با بهره‌گیری از شناخت دقیق جغرافیا، مدیریت منابع آب، مسیرهای ارتباطی، معماری دفاعی و سازمان فضایی شکل گرفتند.

این شبکه استحکامات علاوه بر ایفای نقش دفاعی و پناهگاهی، مرکزی برای فعالیتهای علمی و فرهنگی بود و تا زمان سقوط قلعه الموت در سال ۱۲۵۶ میلادی به حیات جامعه نزاری کمک کرد.

قلعه الموت از اواخر سده یازدهم میلادی به مرکز سیاسی، نظامی و فکری اسماعیلیان نزاری تبدیل شد؛ جریانی تاثیرگذار در جهان اسلام که نفوذ آن فراتر از ایران گسترش یافت.

یونسکو این مجموعه را «نمادی از سازماندهی راهبردی، تاب‌آوری و اهمیت فرهنگی دولت اسماعیلیان نزاری» توصیف کرده است.

عراق فهرست آثار باستانی غارت‌شده پس از اشغال را اعلام کرد

«قاسم السوداني»، معاون وزیر فرهنگ، گردشگری و میراث باستانی عراق، اعلام کرد که عراق از سال ۲۰۰۳ تاکنون در معرض انواع غارت قرار گرفته و بیش از ۵ هزار اثر باستانی دارای شماره ثبت موزه عراق از موزه‌ها و محوطه‌های تاریخی به غارت رفته و از این کشور خارج شده است. بسیاری از این آثار در حراجیه‌های بین‌المللی ظاهر شده‌اند.



وی خاطرنشان کرد که این وزارتخانه با همکاری وزارتخانه‌های خارجه و کشور، اینترنت، سازمانهای اطلاعاتی و سفارتخانه‌های عراق، عرضه شدن آثار باستانی عراق در حراجیه‌های عمومی و خصوصی را رصد و تحت پیگرد قرار می‌دهد.

به گفته السوداني، این تلاشها به شناسایی شمار زیادی اثر باستانی غارت‌شده از عراق منجر شده است.

پس از سقوط بغداد در آوریل ۲۰۰۳، موزه ملی عراق و بسیاری از محوطه‌های باستانی بدون حفاظت رها شدند. انتشار فهرست رسمی، به عراق امکان می‌دهد درخواست بازگرداندن آثار را با استناد حقوقی قوی‌تری مطرح کند.

موسیقی

روایت مقاومت نوجوانان هلندی در «قرار ملاقات»



«تام مورلو» *Tom Morello*، گیتاریست شناخته‌شده گروه‌های *Rage Against the Machine* و *Audioslave*، سالهاست چهره‌ای نمادین در موسیقی اعتراضی و ضدفاشیستی به‌شمار می‌رود؛ هنرمندی که گیتار را به ابزار روایت مقاومت و نقد ساختارهای قدرت تبدیل کرده است.

تازه‌ترین اثر او «*Date Night*»، شب قرار، بر پایه یک داستان واقعی از دوران اشغال نازیها ساخته شده؛ روایتی درباره دو دختر نوجوان هلندی که با ظاهری معمولی سربازان آلمانی را به «قرار ملاقات» می‌کشاندند و سپس آنها را به نیروهای مقاومت تحویل می‌دادند.

مورلو این روایت را در قالب یک قطعه راک تیره و پرتنش بازآفرینی کرده و با ضرباهنگ سنگین، فضای اضطراب و جسارت آن دوران را زنده کرده است. اهمیت اجتماعی این اثر در پیوندی است که میان مقاومت تاریخی و وضعیت امروز برقرار می‌کند؛ زمانی که بحثهای مربوط به رشد راست افراطی و خشونت ساختاری دوباره در اروپا و آمریکا مطرح است.

رسانه‌های موسیقی، این قطعه را «بازگشت مورلو به ریشه‌های ضدفاشیستی» و «یکی از سیاسی‌ترین آثار او در سالهای اخیر» توصیف کرده‌اند و منتقدان آن را نمونه‌ای از موسیقی اعتراضی می‌دانند که هم به تاریخ وفادار است و هم به نیازهای امروز پاسخ می‌دهد.

پیام اصلی «*Date Night*» این است که قهرمانان واقعی همیشه افراد معمولی‌اند و لحظه‌ای که انسانهای عادی تصمیم می‌گیرند در برابر ظلم بایستند، تاریخ تغییر می‌کند؛ پیامی که مورلو تاکید می‌کند امروز نیز همان قدر ضروری است که در دهه ۱۹۴۰ بود.

اعتراض کیتی پری به سوءاستفاده کاخ سفید از ترانه او



«کیتی پری» *Katy Perry*، خواننده آمریکایی، گفت که از استفاده کاخ سفید از ترانه «فایروُرک» در ویدیویی از حملات نظامی آمریکا به ایران «مبهوت و منجر» شده است. در این ویدیو که در «تیک‌تاک» منتشر شده، تصاویر انفجار بمبها با بخشی از ترانه هماهنگ شده که در آن کیتی پری عبارت «بوم، بوم، بوم» را می‌خواند.

او می‌گوید که این ترانه در اصل به‌عنوان سرودی درباره امید، التیام و قدرت درونی نوشته شده و استفاده کاخ سفید از آن نقض معنایی است که این اثر نمایندگی می‌کند.

پیش از این نیز شماری از خوانندگان، از جمله «اولیویا رودریگو» و «آریانا گراند» به استفاده دولت ترامپ از آثارشان اعتراض کرده‌اند.

قاتل ویکتور خارا به دام افتاد



بیش از ۵۰ سال پس از قتل «ویکتور خارا»، خواننده فولکلور شیلیایی، آخرین فرد تحت تعقیب در ارتباط با مرگ او نیز ردیابی و به دست عدالت سپرده شد.

«نلسون هاسه ماتزی» *Nelson Haase Mazzei*، سرهنگ بازنشسته ارتش، در سال ۲۰۲۳ پس از آنکه به همراه شش سرباز بازنشسته دیگر به‌طور غیابی به اتهام قتل خارا و مرد دیگری محکوم شد، از دست مقامهای قضایی گریخت. پلیس شیلی روز شنبه اعلام کرد وی در «پوئه‌هونه»، منطقه‌ای روستایی در جنوب این کشور، بازداشت شده و یک قاضی نیز دستور داده است او بلافاصله زندانی شود.

بنیاد ویکتور خارا که توسط همسر او، «جوآن خارا»، رقصنده و فعال بریتانیایی، تأسیس شده است، در بیانیه‌ای اعلام کرد: «ما مطلع شدیم که سرهنگ بازنشسته نلسون هاسه ماتزی، که از سال ۲۰۲۳ فراری از عدالت بود، پیدا و زندانی شده است. از این خبر استقبال می‌کنیم با این حال، برای ما مهم است تاکید کنیم که نیم قرن پس از قتل ویکتور خارا و لیتره کیروگا، دشوار است که بتوان این را عدالت نامید.»

خارا، خواننده و فعال چپ‌گرا، در ۱۱ سپتامبر ۱۹۷۳ در سانتیاگو، پایتخت شیلی، بازداشت شد؛ یک روز پس از کودتای خونین ژنرال «آگوستو پینوشه» با حمایت آمریکا که با هدف سرنگونی «سالوادور آلنده»، رئیس‌جمهور سوسیالیست شیلی، انجام شد.

بقیه در صفحه ۲۲



رویدادهای هنری ماه

بقیه از صفحه ۲۱

خارا همراه با هزاران نفر دیگر در یک ورزشگاه کوچک سرپوشیده در مرکز سانتیاگو نگهداری می‌شد. در ورزشگاه، ماموران خارا را شکنجه و تحقیر کردند. آنها با او رولت روسی بازی کردند، سپس دستپاش را شکستند، چمجه‌اش را خرد کردند و با شلیک گلوله‌های مسلسل بدنش را به رگبار بستند.

جسد او در نزدیکی گورستان اصلی سانتیاگو رها شده بود. روی بدنش ۴۴ گلوله دیده می‌شد و ۵۶ استخوانش شکسته بود. خارا ۴۰ سال داشت. «لیتره کیروگا»، مدیر ملی زندانهای دولت آلتند، نیز که ۲۳ گلوله به او شلیک شده بود، همزمان پیدا شد.

هنرهای تجسمی

رونمایی از «قدرت مردم»



این پروژه با همکاری «مرکز الاجی» مرکز پناهجویان، و هنرمندان محلی و جامعه فلسطینی-آمریکایی شکل گرفت و هدف آن، به گفته برگزارکنندگان، «ایجاد پلی میان تجربه استعمار، مقاومت و هویت» میان دو جامعه تحت فشار تاریخی، فلسطینیها و بومیان آمریکا، است. در آثار به نمایش درآمده، شباهتهای تاریخی میان استعمار سرزمینهای بومی در آمریکا و اشغال فلسطین به صورت بصری برجسته شده است؛ از جمله تصویر مادران سوگوار، کودکان در حال بازی در سایه برج مراقبت، و نمادهای بومیان Lakhóta که در کنار نشانه‌های فلسطینی قرار گرفته‌اند.

این نقاشیها در فاصله چند قدمی برج مراقبت ارتش اسرائیل قرار دارند؛ سازه‌ای که حضور دائمی آن فضای اردوگاه را سنگین و تهدیدآمیز کرده است.

قرار گرفتن هنر در چنین محیطی، به گفته هنرمندان، «نوعی بازپس‌گیری نمادین فضا» و «ایجاد امید در جایی است که به طور معمول با ترس و محدودیت تعریف می‌شود».

رسانه‌های محلی و بین‌المللی این پروژه را نمونه‌ای برجسته از هنر مقاومت توصیف کرده‌اند؛ هنری که نه تنها زیبایی بصری دارد، بلکه حامل پیامهای اجتماعی و سیاسی روشن است.

(منابع: جنگ خبر، صدای آمریکا، دویچه‌وله، یاهوینوز، بی‌بی‌سی، رولینگ استونز، یورونیوز، العربیه، ایلنا، لاجی)

شهیدان فدایی در شهریور ماه

بقیه از صفحه ۲۴

محمد رضا مزیدی - احمد خسروی (وحید) - بهزاد عمرانی - محمد چشم پراه - حمید رضا مفرد طاهری - علی رضا دولتی - عبدالله حسینی - عباس سلطان زاده اهری - خلیل هوشیاری لنگرودی - محمد حیاتی - رحمت الله فتحی - احمد کریمی - نصرت کریمی - علی کلکیان - پرویز حسینی - پرویز رستم علی پور - پرویز ملکی - حمید نوایی لواسانی - سیامک الماسیان - ناصر الماسیان - هاشم الماسیان - مهرداد گرانیپناه - محمد پرویزی - مهرداد باقری - محمد حسین باقری - محمد حسنی گتوند - منصور توسلی - رجب پور - محمد رضا خان محمدی - مصطفی شادمانی - محمد رضا حاجی خانی - محمد دانایی فر - امیر آراین - امیر هنده قنبری - کیومرث احمدی - شهریار رازی - اسدالله پنجه شاهی - ماشالله (بیژن) حسینی - رضا معظمی - جعفر کاظمی - جعفر جهانگیری - شهرام توکلی - شهرام اکرمی - ناصر اشکینه - علی آقا علیان - کمال بهمنی - احمد حسن پور - قلی پور - صارمی - غلام رضا خوشنام - حمدالله لرکی - مهرداد پناهی شبستری - امان الله کیانی - حبیب الله (مجید) سالیانی - کتابون غزنوی - جلال جباری - فریده روحانی - حمید طاهری - حمید پاکرخ - انوش ابراهیمی - علی (انوش) حسین زاده - حسین ملا طالقانی - شهربانو شکری - بهروز نیک نژاد - رشید آهنگری - هوشی ریاحی - عبداله‌اشم عادل مشهد سری - صولت ریاحی - مرتضی اسلامی - بیژن اسلامی اشبلا - بهروز اکرمی - جمشید میرحیدری - یونس رضائی - جلال فتحی - سیاوش حسوند - ایرج سلیمانی - رضا بهفر - بهزاد یوسفی - لطف الله کیوانی فر - سعید اسماعیل پور موسوی - مانی خداوردی - عباس کاتوزیان - سیدمرتضی میررضایی - فریده شمشیری - بهروز شاهین - حبیب صادقی - امیر نمازی زادگان - رضا خالصی - ماهرخ یوسفی - غلام شاه ضمیری - شهرام شفیعیان - امیرمعصوم علشاهی - شهناز رونابی - محمد یوسف پوری - صدیق دیده رو - علی رضا تراقچی - نصرالله احمدشاهی - عبدالله وارشیکی... از سال ۱۳۵۰ تاکنون در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع و به وسیله مزدوران رژیمهای شاه و خمینی به شهادت رسیدند.

«شپرد فیبری» *Shepard Fairey*، هنرمند شناخته شده آمریکایی و چهره برجسته هنر سیاسی معاصر، در تازه‌ترین پروژه خود مجموعه‌ای از مُرال‌های بزرگ *Mural* - نقاشی دیواری) با عنوان «موزاییک قدرت مردم» *People Power Mosaic* را در دو شهر «آلبوکرکی» و «سانتافه» اجرا کرده است؛ آثاری که به گفته منتقدان یکی از صریح‌ترین بیانیه‌های هنری چپ‌گرایانه سالهای اخیر به‌شمار می‌رود.

این پروژه که با همکاری نهادهای هنری محلی و گروههای اجتماعی اجرا شده، بر قدرت جمعی، نقش کارگران، تاریخ مبارزات اجتماعی و حضور اقلیتهای بومی و لاتین در شکل‌گیری هویت «نیومکزیکو» تمرکز دارد. فیبری در گفتگویی با رسانه‌های محلی تاکید کرده هدفش «ادای احترام به کسانی است که ستونهای واقعی جامعه‌اند اما در روایت رسمی تاریخ دیده نمی‌شوند».

بخش اصلی پروژه، نقاشی دیواری عظیمی به مساحت بیش از ۲۷۹ متر مربع در محوطه تاریخی *Rail Yards* ست؛ جایی که زمانی مرکز فعالیت کارگران راه‌آهن بوده. در این اثر، فیبری با ترکیب نمادهای فرهنگی نیومکزیکو روایتی تصویری از همبستگی، مقاومت و هویت چندلایه اجتماعی ارائه می‌کند.

یکی از چهره‌های برجسته این اثر، «سولداد چاوز دِ چاکون» *Soledad Chávez de Chacón* است؛ نخستین زن لاتین که در سال ۱۹۲۴ برای مدتی کوتاه فرماندار نیومکزیکو شد. حضور او در اثر، به گفته فیبری، «یادآوری نقش زنان در مبارزات اجتماعی و سیاسی» است.

نقاشیهای همبستگی در کرانه باختری

گروهی از هنرمندان فلسطینی به همراه یک هنرمند بومی آمریکا مجموعه‌ای از نقاشیهای دیواری بزرگ را بر دیوارهای هتل متروکه *InterContinental*، مشرف به اردوگاه پناهجویان «عاید» *Aida*، اجرا کردند؛ مجموعه‌ای که اکنون با عنوان «دیوارهای مقاومت» شناخته می‌شود و به سرعت توجه رسانه‌های هنری و اجتماعی را جلب کرده است.

مذاکرات عُمان؛ فاز رویارویی بلوکهای قدرت

منصور امان



مُخالفان عقب‌نشینی در دستگاه قدرت ج.ا، تاخیر خود در واکنش به «تفاهننامه» پاکستان را جبران می‌کنند. آنها دو هفته بعد از رسمیت یافتن توافق آتش‌بس، با شلیک به چند کشتی در تنگه هرمز آن را برهم زدند. اینک و همزمان با مذاکرات عُمان برای بازگشت به آتش‌بس، آنان با شلیک سیاسی به رقبای‌شان، پیشدستانه به رویارویی با «تفاهننامه» بعدی رفته‌اند.

در همان حال که اعضای مجلس مُلاها وابسته به طیف نظامی امنیتی چُمق استیضاح وزیر خارجه را گرد سر می‌چرخاند، یک سرکرده لباس شخصی تهدید برکناری رئیس‌او، پزشکیان، از سوی مُجتبی را رسانه‌ای کرده است. آخوند خرازی که محافل حکومتی از او به عنوان «دبیرکل حزب‌الله ایران» یاد می‌کنند، می‌گوید مُجتبی به پزشک‌های هُشدار داده در صورت استعفای مُجدد، با آن موافقت خواهد کرد. پیشتر همین محافل مدعی استعفای چندباره پزشک‌های به منظور تحت فشار گذاشتن مُخالفان عقب‌نشینی شده بودند. افشاجری خرازی ابتدا توسط دفتر و نزدیکان پزشک‌های تکذیب شد، اما چنین می‌نماید که این واکنش هنوز هم سطح با تهاجم طرف مقابل نبود، چرا که اندکی بعد محافل دولتی خبر از یک پیام ویدیویی از سوی پزشک‌های دادند و گوشه‌هایی از آن را پخش کردند که در آن می‌گفت استعفا نمی‌دهد و «خواهد ایستاد».

اگرچه مرکزی به نام «دفتر آیت‌الله مجتبی خامنه‌ای» گُشته‌های آخوند خرازی را تکذیب کرد، اما هم گارد گرفتن پزشک‌های و هم مُداخله شتابزده «دفتر ...» بیانگر جریان داشتن نزاع به گونه مشخص در همین سطح است و خرازی و انواع مشابه در هر دو طرف، گاهی نقش زمینه‌ساز و گاهی رُل انگشت تهدید را بازی می‌کنند.

تحولات پُرتلاطم در دستگاه حاکم نشانگر آن است که رویارویی طرف‌های دارای منفعت در ادامه‌ی تنش یا فروکاستن از آن، هویت سیاسی روشن‌تری می‌یابد. درگیری از سطح خیابان و بر پُشت گروه‌های فشار به سطح نهادهای تابلو دار و بر میزهای قدرت فراز یافته است. بلوک‌های قدرت در ساختار رژیم ج.ا، جنگ را به مثابه سکوی پرتاب به سمت تغییر توازن به سود خود و تصرف یگانه اهرم‌های حُکمرانی کشف کرده‌اند و شکاف بر سر آن تا دورترین نقاط میدان عمل حاکمیت امتداد می‌یابد. نزدیکترین نقطه اما مذاکراتی است که در عمان جریان دارد. همانگونه که «تفاهننامه» پاکستان نشان داد، بدون تعیین تکلیف هُرمونی در ساختار قدرت، معامله یا تفاهم با ج.ا یک بسته مُدت‌دار و فاسدشدنی است.

فراسوی خبر... پنجشنبه ۱۵ مرداد

جابه‌جاییهای امنیتی - نظامی و تشدید بحران در هِرم قدرت

زینت میرهاشمی



**با صدور احکام جداگانه از سوی مجتبی خامنه‌ای،
شش فرمانده ارشد نیروهای مسلح منصوب شدند؛**

از سوی دیگر، با چشم‌اندازی که سیاست‌های جنگی رژیم پیش روی جامعه قرار داده است، افقی برای بهبود معیشت، کاهش تورم و مهار فقر دیده نمی‌شود. هزینه سیاست‌های جنگی و امنیتی، بار سنگینی است که بر دوش مردمی است که پیش از این نیز زیر فشار گرانی، کاهش قدرت خرید و فقر، توان اقتصادی‌شان فرسوده شده است.

بنابر آمارهای رسانه‌های حکومتی، تورم کالاهای اساسی به حدود ۸۸ درصد رسیده و گرانی، سفره و سبک زندگی مردم را به شدت تغییر داده است. در همین حال، سبد حداقلی معیشت کارگران حدود ۷۰ میلیون تومان برآورد می‌شود، در حالی که حداقل دستمزد در سال ۱۴۰۵ حدود ۱۶ میلیون و ۶۴۵ هزار تومان است. این فاصله عظیم میان دستمزد و هزینه زندگی، فقط یک شکاف اقتصادی نیست؛ شکافی عمیق میان سیاست‌های حکومت و واقعیت زندگی میلیون‌ها انسان است.

آیا رژیم جنگ‌طلب می‌تواند این شکاف را پر کند؟ آیا می‌تواند خشم انباشته‌ای را که هر روز در میان کارگران، بازنشستگان و فرودستان جامعه افزایش می‌یابد، مهار کند؟

پاسخ روشن است. حکومتی که حتی در بهترین شرایط و در سال‌هایی که از درآمدهای کلان از فروش نفت و گاز برخوردار بوده نتوانسته است بهبودی پایدار در وضعیت زندگی مردم ایجاد کند، در شرایط کنونی که هزینه‌های جنگ، تحریم، بحران اقتصادی و سیاست‌های امنیتی بر جامعه سنگینی می‌کند، چشم‌اندازی جز تشدید فقر و فشار معیشتی پیش روی مردم ندارد.

از این منظر، جابه‌جایی مهره‌های امنیتی - نظامی نه نشانه‌ای از ثبات، بلکه نشانه‌ای از نگرانی حکومت از بحران‌های انباشته و تلاش برای کنترل آنهاست. اما آرایش امنیتی تازه، نه بحران اقتصادی را تعدیل می‌کند، نه تورم را کاهش می‌دهد و نه خشم انباشته جامعه را از میان می‌برد.

امنیتی که بر فقر، سرکوب و اعدام بنا شود، امنیت پایدار برای رژیم ایجاد نخواهد کرد.

فراسوی خبر ... سه شنبه ۲۰ مرداد

روز دوشنبه ۱۹ مرداد، مجتبی خامنه‌ای با چند فرمان به تعدادی از بالاترین مهره‌های امنیتی - نظامی حکومت، آرایش تازه‌ای داد و چهره‌هایی از بدنام‌ترین کارگزاران رژیم که بیش از چهار دهه جنایت، جنگ‌طلبی و تروریسم‌پروری را در کوله‌بار خود حمل می‌کنند را به مقام سرکردگی ارتقا داد.

این گزینش‌ها و انتصاب‌ها در میانه انبانی از بحران‌ها - از جنگ و شکاف در شیوه زمامداری گرفته تا سرکوب و اعدام، بحران اقتصادی، تشدید فقر و نیستی و روزشماری برای انفجار خشم مردم - با هدف مهار این بحران‌ها و تضمین بقای رژیم صورت گرفته است.

از آنجا که این مهره‌ها از درون همین ساختار تغذیه کرده و خود در کهنه و ریشه‌دار شدن همه بحران‌هایی که برشمردیم نقش داشته‌اند، طبیعی است که معضلات رژیم را نه تنها کاهش ندهند، بلکه در شرایط کنونی تشدید کنند. به‌ویژه آنکه همزمان با جدال باندهای حکومتی برای سهم‌گیری از قدرت در دوره پساجنگ و تفاهننامه‌های احتمالی، هر جابه‌جایی در هرم قدرت می‌تواند به تشدید رقابت‌ها و شکاف‌های درونی منجر شود.

حتی اگر فرض بگیریم که آتش‌بس طولانی‌تر شود، با توجه به اینکه صلح و برقراری روابطی معقول با کشورهای همسایه در چشم‌انداز این رژیم با ساختار کنونی آن جایی ندارد، بحران و تنش با ابعاد کم‌وزیاد همچنان در منطقه جریان خواهد داشت. از این رو، تداوم بحران منطقه‌ای و تنش در مناسبات بین‌المللی با حکومت پایدار و گریزناپذیر خواهد بود.

همان‌طور که رژیم نشان داده است، در ورای بحران‌های منطقه‌ای، جنگ اصلی رژیم با مردم ایران است. سرکوب و جنایتی که همچنان ادامه دارد، هیچ روزنه‌ای برای صلح با مردم باقی نگذاشته است. حاکمان کشور حتی در بحرانی‌ترین موقعیت جنگی با آمریکا و اسرائیل نیز لحظه‌ای از سرکوب، خشونت و اعدام دست نکشیدند. چرا که به‌خوبی می‌دانند برای بروز خشم و انفجار اجتماعی، حتی به کبریت هم نیاز نیست؛ کافی است لمپن‌های بسیجی را از خیابان‌ها جمع کند و اجازه دهند مردم تنها یک روز امکان بیان اعتراض خود را پیدا کنند.

نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

سردبیر: زینت میرهاشمی

هیات دبیران: منصور امان زینت میرهاشمی

هیات تحریریه: منصور امان، زینت میرهاشمی، مهدی سامع

همکاران نشریه: فرنکیس بایقره، اسد طاهری، کامران عالمی نژاد، امیر ابراهیمی

چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

NABARD - E - KHALGH

No : 505 /23 August 2026

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

Price: \$ 1 – 1 euros

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

NABARD - E - KHALGH in Telegram ///@nabard_khalg --- https://telegram.me/nabard_khalgh

NABARD - E - KHALGH in Facebook //// <https://www.facebook.com/nabardekhalghe>

یادواره شهیدان فدایی

فدایی شهید رفیق غلام حسین بیگی

گردآوری و تنظیم: امیر ابراهیمی

شهیدان فدایی در شهریور ماه



رفیق اکبر صمیمی

رفقای فدایی: سیروس سپهری - ایرج سپهری - اعظم السادات روحی آهنگران - حسن سعادت - هاشم باباعلی رحیمی - حسن جان لنگوری کیاکالایه - طهمورث اکبری - جمیل یخچالی - شهریار ناهید - علی میرشکاری - یوسف کیشی زاده - محمود باباعلی - احسن ناهید - محمد مجیدی - حمید رضا مالکی - احمد صادقی - بهنام رهبر - بهمن رهبر - یعقوب (امیر) تقدیری قزلجه میدان - محمد رضا فریدی - سعیده کریمان - غلام حسین بیگی - حسن صالحی - علی رضا شاه بابایی کوتنائی - ناصر فتوتی - ناصر سلیمی - محمد سپاسی - حمید رضا ماهیگیر - عباس کابلی - نادره (جمیله) نوری - علی رضا پناهی - قاسم معروفی

- انور اعظمی - ابوبکر آرمان - جواد کارشی - هوشنگ (همت) احمدی - رشید یزدان پناه (سمکو) - بیژن جنتی - مرتضی خدامرادی - مصطفی شمس الدینی - ابوالقاسم (قاسم) سید باقری - عمر صالحی - عبدالرضا غفوری - عزیز محمد رحیمی - محمد (فرشاد) تمدن - اصغر جعفری جزایری - خسرو مبارکی - سعید رهبری - سعید پرتوی - علی رضا یراقچی - محمد رضا ستوده - احمد رضا شعاعی - مهدی سمیمی - ابوالفضل قزل ایاق - زهرا (اشرف) بهکیش - اکبر صمیمی - محمد علی بهکیش - علی شیرمحمدی - محمود قاضی پور - عباس تهمتنی - فرهاد سلیمانی - نفیسه ناصری (نسترن) - محمد تقی (همایون) فرومند - فریدون (فرید) یزدانیان - یدالله آل کنعان - احمد رضا بیک محمدی هزاوه - امیر هوشنگ صفاییان - سید رضا جهانشاهی - جهانگیر نوری (نورعلی) - مسعود عرفان - محسن رجب زاده - محمود خاموشیان - همایون آزادی - مریم فرشادفر - جواد بنی احمد - یوسف ایمانی دارستانی - نقی (امیر) ظریفی دارستانی - صفر لنگرودی - ابوبکر حمیدی - نبی الله عباسی - علی توکلی - علی (مسعود) باختری - علی عبدالله زاده - محمد عبدالله زاده - مجید ولی - کریم سعیدزاده - کیوان مصطفوی - محمود اسرافیلی - خسرو ابراهیمی - مجید ایوانی - مجید رحیم زاده - پرویز دادوی - پرویز خسروی - فرامرز زمان زاده - معصومه (لیلا) برزگر - عبدالله یزدانی - اسدالله اخوان اقدم لنگرودی - نوان هادی - عبدالله فیض الله بیگی - علی رضا صمد زاده - عبدالرضا ایروانی - گرگیس آریانزاد موکری - مهرداد حیدری فرد - کامران فدوی - شهرام خاکپور - جهانبخش سرخوش - جمشید رستمی - جمشید کلانتری - علی صادقی

بقیه در صفحه ۲۲

مردم ایران را آبیاری نمودند از جمله آن دستگیرشدگان بودند.

داستانها و مقالات رفیق غلامحسین با نام مستعار (ح-هادی) در نشریات آن زمان منتشر می شد. برای نمونه در سال ۵۱ در یک گاهنامه ادبی در مشهد بنام «این زمان، آن زمان» داستان کوتاهی از وی به نام «آن هم...» چاپ شد. متن این داستان تا حدی قدرت نویسندگی و اعتقادات سیاسی نویسنده را منعکس می کند. همین اعتقادات و باور به آرمانهای سوسیالیستی بود که باعث شد رفیق در سال ۱۳۵۵ به سازمان چریکهای فدایی خلق ایران بپیوندد و در خانه تیمی در اصفهان سازماندهی شود.

متأسفانه به دلیل قانونمندیهای فعالیت مخفی سازمان و همچنین به دلیل ضرباتی که به سازمان وارد کرد، اطلاعات زیادی از فعالیتهای این رفیق در سازمان در دسترس نیست. رفیق غلام حسین بیگی در ۱۲ شهریور سال ۱۳۵۶ در جریان یک درگیری در تهران توسط نیروهای سرکوبگر رژیم شاه به شهادت رسید و پیکر خونین او در قطعه ۳۹ بهشت زهرا در تهران به خاک سپرده شد.

یاد و نام رفیق غلام حسین بیگی ماندگار

*<https://asre-nou.net/c/b3e/f2e476c>

منابع: سایتهای سياهکل و عصر نو



رفیق غلام حسین بیگی

رفیق غلام حسین بیگی در سال ۱۳۳۱ در خراسان چشم به جهان گشود. در اواخر دهه چهل و اوایل دهه ۵۰ در مشهد که محافل ادبی گوناگونی شکل گرفته بود، رفیق غلامحسین عضو یکی از این محافل بود. با توجه به حساسیت ساواک شاه نسبت به هرگونه روابط سازمان یافته به خصوص پس از آغاز جنبش مسلحانه در سال ۱۳۴۹، محفل ادبی رفیق غلام حسین در سال ۱۳۵۱ مورد یورش ساواک قرار گرفت و تعدادی از اعضای آن دستگیر شدند.

رفقای چون زین العابدین رشتچی و عسگر حسینی ابرده، غلامحسین بانژاد و حسین سلیم که بعدها پس از آزادی از زندان به چریکهای فدایی خلق پیوسته و با خونشان درخت انقلاب

نابود باد امپریالیسم و ارتجاع جهانی - زنده باد استقلال، دموکراسی، صلح و سوسیالیسم